



# عصر

روزنامه اجتماعی اقتصادی  
شنبه ۲۹ اکتبر ۲۰۲۴ | ۲۵ ربیع الثانی ۱۴۴۶ | ۱۴۵۳  
۸ صفحه | پنج هزار تومان | سال سوم | شماره چهارصد و پنجاه و چهار  
www.asrghanoon.ir

# ایکس اشغالی

## ایکس، حساب کاربری رهبر انقلاب به زبان عبری را تعلیق کرد!

روزی یکشنبه به زبان عبری «رژیم صهیونیستی غلطی کرد، دچار خطای محاسباتی نسبت به ایران شد. قدرت و توانایی و ابتکار و اراده ملت ایران را به آن‌ها می‌فهمانیم» در صفحه توئیتر (صفحه ایکس) پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای منتشر شده و دیرپوز شبکه اجتماعی ایکس حساب کاربری رهبر معظم انقلاب اسلامی به زبان عبری را تعلیق کرد.

پیش از این رسانه‌ها گزارش داده بودند که پیام‌های نتایج توئیتر و حساب کاربری رژیم صهیونیستی در دینار یا ماسک از مالک بلتیرم ایکس (توئیتر سابق) خواسته که با این رژیم علیه فلسطینیان و حامیان فلسطین و حذف محتواهای آن‌ها هم‌دست شود.

پیش‌تر افشای همکاری سازمان اطلاعات و امنیت داخلی رژیم صهیونیستی (شین بت) و شبکه اجتماعی فیس‌بوک علیه فلسطینیان باعث رسوایی این شبکه اجتماعی آمریکایی که مدعی آزادی بیان هستند شده بود.

### بزرگنمایی غلط؛ بزرگنمایی درست



چطور ممکن است بزرگنمایی آنها غلط و بزرگنمایی ما درست باشد؟ پاسخ روشن است. آنها این حمله را بزرگ می‌کنند تا موفقیت کادشان را جا بیندازند.

۲

### فلسفه اسلامی و تولید علم



در علوم شناختی این بحث مطرح می‌شود که تفکر بشر با تلفیق مفهومی جلو می‌رود. منظور این است بشر مدام فضاهای مفهومی قبلی را تلفیق می‌کند و به فضاهای جدید و نوظهور دست پیدا می‌کند.

۳

### تضعیف اسرائیل از طریق یک رویارویی فرسایشی



حزب الله طی یک سال میدان نبرد را گسترش داده است و این نشان می‌دهد تضعیف اسرائیل از طریق یک رویارویی فرسایشی طولانی مدت، استراتژی مورد ارائه حزب الله است.

۴

### فرافکنی تهدیدات



اسرائیل همواره بدنبال فرافکنی تهدیدات در منطقه است و تا زمانی که مسئله فلسطین حل نشود، این منطقه همچنان به عنوان یکی از منابع اصلی بی‌ثباتی جهانی باقی خواهد ماند و تأثیرات گسترده‌ای بر امنیت بین‌المللی خواهد داشت.

۴

### اولویت رویکرد جذب فرصت در تعاملات خارجی



با تغییر رویکرد و اولویت‌دهی به توسعه روابط اقتصادی و بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌ها، ایران می‌تواند به رشد و پیشرفت قابل توجهی دست یابد. بازنگری در ساختارهای متولی تعاملات خارجی در تعاملات بین‌المللی نیز می‌تواند به این مهم کمک کند.

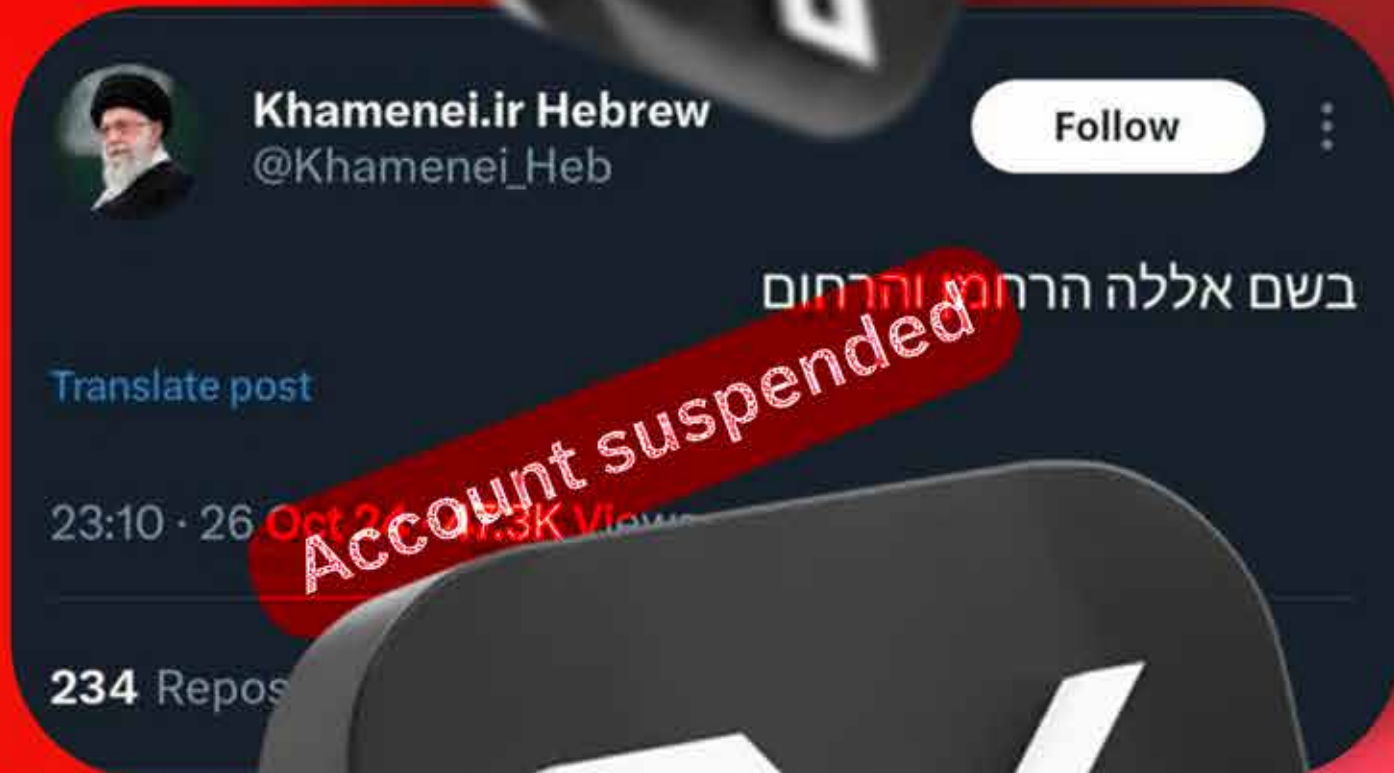
۵

### استخوان جامعه کارگری خرد شده



استخوان جامعه کارگری خورد شده و بسیاری از کالاها را از سفره خود کنار گذاشته اند اما پیشنهاد نمایندگان مجلس تنها یک نمایش است و با توجه به روندی که در مجلس وجود دارد این طرح امسال عملیاتی نخواهد.

۵



suspen

Account suspended





## جنگ نامرئی!



از سال گذشته و هم‌زمان با عملیات «طوفان‌الاقصی» در سرزمین‌های اشغالی گروه‌های هکری، همچون «حنظله» بارها به زیرساخت‌های سایبری رژیم صهیونی حمله کرده و اطلاعات آنها را در اختیار گرفته‌اند. از ابتدای عملیات طوفان‌الاقصی، یکی از ابعاد جنگ در منطقه حملات سایبری علیه زیرساخت‌های طرفین درگیری بوده و رژیم صهیونی در این یک سال، با وجود آنکه تلاش بسیاری برای آسیب زدن به توان رزمی حماس در غزه کرده و به تازگی نیز کوشیده است تا با لبنان وارد معرکه درگیری شود، همچنان از حملات سایبری ضربه می‌خورد.

هفتم اکتبر امسال و در سالروز عملیات طوفان‌الاقصی، شاهد چندین عملیات سایبری از سوی محور مقاومت بودیم که یکی از مهم‌ترین آنها هک شدن وبگاه کنست (پارلمان رژیم صهیونی) از سوی گروهی موسوم به «انتقام موعود» بود. همچنین گروه هکری «حنظله» Handala چند روز پیش از سالگرد طوفان‌الاقصی در وبگاه خود اعلام کرد، دو آرشو محافظت شده با رمز عبور حاوی بیش از ۶۰ هزار رایانامه محرمانه متعلق به «گابریل گابی اشکنازی» وزیر سابق امور خارجه رژیم صهیونی و رئیس سابق ستاد کل ارتش این رژیم را دارد. این گروه در پیامی نوشت: «این داده‌ها تنها بخش کوچکی از دریاچه اطلاعات ما درباره گابی اشکنازی است. آیا مقامات و وزارتخانه‌های فعلی رژیم جعلی صهیونیستی در امان هستند؟ هرگز! از سایه خود بترسید.»

### جنگی خاموش در جریان است

رژیم صهیونی با در اختیار داشتن واحد ۸۲۰۰ تلاش گسترده‌ای را برای عملیات سایبری و روانی علیه محور مقاومت به کار برده است. واحد ۸۲۰۰ یک سازمان مخفی اطلاعاتی در سرزمین‌های اشغالی است که مسئولیت هک سیستم‌ها، شنود الکترونیک، رمزگشایی کدها و کدگذاری دیجیتالی را به عهده دارد و زیرمجموعه آمان (معاونت اطلاعات ارتش صهیونی) به شمار می‌آید. افزون بر فعالیت‌های زیرساختی و سخت‌افزاری، در بعد عملیات روانی نیز اعضای این واحد در پوشش کاربران شبکه‌های اجتماعی به شایعه‌پراکنی، ترور شخصیتی رهبران مستقل جهان، ایجاد درگیری‌های مذهبی و سیاسی و... مشغول هستند. با وجود توانایی رژیم صهیونی در مقابله سایبری با دشمنانش، اما طرف مقابل نیز از قدرت قابل توجهی برخوردار است؛ در حدی که واحد ۸۲۰۰ نیز دستخوش حمله سایبری شد و گروه هکری حنظله پس از عملیات طوفان‌الاقصی، شرکت ArrowNet، بازوی فنی یگان ۸۲۰۰ رژیم صهیونی را که مدعی هستند قوی‌ترین تجهیزات سایبری دنیا را دارند، هک کردند و عکس فرمانده یگان ۸۲۰۰ و برخی مسئولان این شرکت امنیتی را که هیچ اطلاعاتی از آنها موجود نیست، افشا کردند. نام گروه هکری حنظله در یک سال گذشته در اخبار مربوط به فعالیت‌های سایبری زیاد به گوش می‌خورد و تمرکز آنها بر حمله علیه زیرساخت‌های رژیم صهیونی بود.

طی هک «مؤسسه بیمه ملی» رژیم صهیونی، اطلاعات ۸ میلیون



## بزرگنمایی غلط؛ بزرگنمایی درست

حمیدرسایی

### مسئولین درست بفهمند / بفهمانند

به جملات رهبر حکیم انقلاب در سخنرانی دیروز خوب دقت کنید. آنجا که می‌فرمایند: بزرگنمایی آنها (صهیونیست‌ها) غلط است. این منطوق کلام، حکایت از این مفهوم در کلام می‌کند که بزرگنمایی از طرف ما غلط که نیست، لازم هم هست. خصوصاً که ایشان از کوچک‌انگاری این اقدام صهیونیست‌ها پرهیز می‌دهند.

چطور ممکن است بزرگنمایی آنها غلط و بزرگنمایی ما درست باشد؟ پاسخ روشن است. آنها این حمله را بزرگ می‌کنند تا موفقیت کاذبشان را جا بیندازند. در حالی که با بیش از ۱۵۰ هواپیمای جنگی آمدند و صدها موشک هوا به زمین شلیک کردند اما وارد حریم کشور ما نشدند و بسیاری از موشک‌هایشان قبل ورود به خاک ایران رهگیری و نابود شد. آنچه وارد شد هم جز چند مورد اصابت نکرد. پس نسبت به آنچه می‌خواستند، فقط غلطی کردند.

اما ما باید این اقدام صهیونیست‌ها را بزرگ ببینیم. اولین غلط بزرگی که کردند این بود که جرأت تعرض به خاک جمهوری اسلامی را به صورت رسمی پیدا کردند. دومین غلط آنها آسیب زدن به چند نقطه و سومین غلط به شهادت رساندن چند تن از عزیزان ما بود. این لطمه هر چند کوچک اما گستاخی بزرگی بود.

نکته مهم دیگر در بیانات ایشان، تکلیف درست فهمیدن خودشان و دقیق فهماندن به صهیونیست‌هاست که امام خامنه‌ای متوجه مسئولان کشور کردند، آنجا که فرمودند خطای محاسباتی رژیم صهیونیستی باید بهم بخورد و مسئولان امر باید قدرت، توانایی و اراده ملت ایران را به اینها بفهمانند.

در ادامه هم می‌فرمایند کیفیت کار (پاسخ به صهیونیست‌ها) را باید مسئولان تشخیص بدهند و درست بفهمند و آنچه صلاح کشور و ملت است انجام بدهند.

بدیهی است که خطای محاسباتی رژیم جعلی صهیونیستی با پاسخ دادن به این گستاخی بهم می‌خورد. با پاسخ دادن است که می‌توانیم قدرت و توانایی این ملت را به آنها بفهمانیم. آیا پاسخ در هر سطحی می‌تواند صهیونیست‌ها را شیرفهم کند؟ قطعاً این پاسخ باید به بزرگی گستاخی باشد که از آنها سر زده.

برای این کار مسئولان امر باید درست بفهمند. راه درست فهمیدن به این است که مسئولان تصمیم‌گیر سیاسی و نظامی به جنگ روانی دشمن توجه نکنند بلکه به عوامل عزت‌ساز ۴۵ ساله این ملت نگاه کنند. کافی است عجز و زبونی رژیم صهیونیستی در برابر گروه کوچک حماس در یک سال گذشته را ببینند. به امیدی که ملت‌های مظلوم و مستضعف و تحت ستم به ایران دارند توجه کنند و مهمتر از همه به وعده‌های الهی باور داشته باشند که ان تصر الله ينصرکم و یشتب اقدامکم.

حملات سازمان‌های دولتی، ارتش و زیرساخت‌های غیرنظامی بوده‌اند.

مسئله ایجاد گنبد آهنین سایبری سال ۲۰۲۲ نیز در میان مقامات رژیم صهیونی مطرح شده بود. رسانه‌های صهیونی دسامبر آن سال گزارش دادند که تل‌آویو، امارات، بحرین و مراکش نشست‌هایی را برای بحث درباره ایجاد یک پلتفرم مشترک برای دفاع سایبری «در برابر افزایش تهدیدات هک‌های ایرانی» برگزار کردند. «چاک فریلیچ» پژوهشگر مؤسسه مطالعات امنیت ملی وابسته به دانشگاه تل‌آویو، در مصاحبه‌ای می‌گوید: «دشمن اصلی اسرائیل در جنگ‌های آنلاین یعنی ایران، «دشمنی چشمگیر» است.» او حملات ایران را با هدف خرابکاری و نابودی زیرساخت‌ها و همچنین جمع‌آوری داده‌های اطلاعاتی و انتشار اطلاعات غلط برای اهداف تبلیغاتی دانست. وی ایران را «یکی از فعال‌ترین کشورها در فضای سایبری» برشمرد و گفت: «اسرائیلی‌ها با وجود قدرت در این زمینه، بارها مغلوب ایران شده‌اند.»

اما شاید شدیدترین ضربه در روزهای گذشته مربوط به عملیات «یگان سایبری رضوان» حزب‌الله باشد که موفق به هک وزارت امنیت ملی رژیم صهیونی و تمام ۱۱ سازمان زیر مجموعه آن، از جمله پلیس، اداره سلاح و مهمات، سازمان زندان‌ها، آتش‌نشانی و... شدند و اطلاعات تمام شهرک‌نشینان دارای سلاح را به دست آورده و برخی از آنها را منتشر کردند. وزارت امنیت ملی هماهنگ‌کننده نهادهای امنیتی است و اکنون اطلاعات مأموران نهادهای اطلاعاتی رژیم اشغالگر در اختیار نیروهای نظامی حزب‌الله قرار گرفته است.

عملیات طوفان‌الاقصی و جدال سایبری بین رژیم صهیونی و محور مقاومت، اهمیت جنگ در زمین نامرئی را بیش از گذشته به رخ کشید؛ جنگی که اگر در روی زمین به پایان برسد، بعید است که در فضای سایبر پایان پذیرد و دو طرف به افزایش توان دفاعی و همچنین تهاجمی خود در این عرصه ادامه خواهند داد.

مکمل وعده صادق ۲

همچنین گروه هکری حنظله هم‌زمان با عملیات «وعده صادق ۲»، اعلام کرد به سامانه راداری رژیم صهیونی حمله کرده است. این گروه سامانه‌های راداری رژیم صهیونیستی را نقض و پس از نفوذ به سامانه‌ها، صدها هزار پیامک تهدیدآمیز برای ساکنان سرزمین‌های اشغالی ارسال کرده است. در این پیام هشدار داده شده بود: «شما فقط چند ساعت فرصت دارید تا سیستم‌های خود را تعمیر کنید.» «سردار جباری» مشاور فرمانده کل سپاه پس از عملیات موشکی وعده صادق ۲ که روز دهم مهرماه در پاسخ به ترور «شهید آیت‌الله سیدحسین نصرالله»، «سردار شهید نیلفروشان» و «شهید اسماعیل هنیه» صورت گرفت، گفت: «۹۰ درصد موشک‌ها به اهداف تعیین شده برخورد کرد، البته قبل از آن حملات سایبری داشتیم که موجب اصابت موشک‌ها به طور دقیق به اهداف شد.» اقدامات سایبری محور مقاومت موجب شده است تا برخی مقامات رژیم در ماه‌های گذشته از ایجاد یک «گنبد آهنین سایبری» سخن بگویند.

«آبرام اتریا» رئیس بخش همکاری‌های بین‌المللی در مدیریت ملی سایبری رژیم صهیونی هم گفت: «این یک جنگ خاموش است، جنگی که قابل مشاهده نیست.» وی اعلام کرد، این رژیم از زمان حمله هفتم اکتبر با افزایش قابل توجهی از حملات سایبری از سوی ایران و متحدانش روبه‌رو شده است. به گفته وی، ایران و متحدانش سعی دارند هر چیزی را که می‌توانند هک کنند. آبرام اتریا مدعی شده است، از زمان آغاز جنگ حدود ۸۰۰ حمله مهم خنثی شده که از جمله اهداف این

## «توسل به هرگزینه‌ای» برای پایان جنگ است

مهدی خانعلی‌زاده



و پس از نسل‌کشی بی‌سابقه صهیونیست‌ها در غزه و همچنین ترور گسترده سران و فرماندهان مقاومت در غرب آسیا، باید مورد تأکید شبکه مقاومت باشد، «توسل به هرگزینه‌ای» برای پایان جنگ است.

درواقع آنچه در روزهای آینده باید از سوی سیاستمداران و نظامیان کشورمان مورد طراحی قرار بگیرد، «خطا» بودن این محاسبه است؛ محاسبه‌ای بر مبنای عدم واکنش ایران به عملیات اسرائیل. تمام ظرفیت‌های سیاسی و نظامی کشور در روزهای آینده باید در مسیر اثبات این خطا به اسرائیل و حامیان آن باشند، یعنی تل‌آویو باید در این باور قرار بگیرد که ایران به کوچک‌ترین فعالیت ضدمقامتی رژیم در منطقه حساس است و اجازه استفاده از توهم «تله جنگ» را به‌عنوان مخدر نمی‌دهد.

در این فضا، اسرائیل این‌گونه ادراک کرده که با عملیات محدود

«فاکتور ایران نباید وارد معادله جنگ غزه و لبنان شود.» این عبارت، محور بنیادین راهبرد اسرائیل در تحولات چندماهه اخیر است

سران تل‌آویو به‌خوبی می‌دانند اگرچه توانایی اعمال ضربه اول به ایران را دارند و این ضربه می‌تواند برای تهران آسیب‌ساز باشد اما به دلایل مختلف -از جمله وسعت سرزمینی- ایران می‌تواند ضربه دومی به اسرائیل وارد کند که نابودکننده باشد، یعنی اگر مبنای توازن قوا میان دو واحد سیاسی به تقابل کشیده شود، تل‌آویو توان مقابله با تهران را ندارد و اساساً به همین دلیل است که ایران با سلاح‌های متعارف خود دارای بازدارندگی اتمی در برابر اسرائیل با سلاح‌های اتمی است

سران تل‌آویو به‌دنبال نمایشی نظامی بودند که ضمن اعاده حیثیت از توان رزمی خود، مدلی از واکنش را اجرائی کنند که ایران طبق پیام‌های ارسالی خود از طریق کشورهای منطقه، ورود سخت و جدی به میدان نداشته باشد، یعنی محاسبه اصلی صهیونیست‌ها در انجام عملیات علیه ایران، «عدم واکنش ایران» بود.

مسئله محوری در هرکدام از این تاکتیک‌ها باید یک خط راهبردی با عنوان «لزام به پایان جنگ» باشد. آن چیزی که امروز

چندشب پیش، ایران وارد میدان جنگ غزه و لبنان نخواهد شد. به همین دلیل، دستورکار ایران باید این باشد که این ادراک - که به‌غلط و باخطا حاصل شده - تغییر پیدا کند.

ایران می‌تواند و باید ادراک جدیدی از راهبرد خود به‌طرف مقابل تحمیل کند تا ضمن اثبات خطای محاسباتی اسرائیل، زمینه را برای عدم تکرار چنین خطایی از سوی طرف مقابل فراهم کند.



علیرضا قائمی‌نیا

## فلسفه اسلامی و تولید علم

تلفیق مفهومی راهکار امتدادبخشی به فلسفه اسلامی و تولید علم است

فلسفه اسلامی میراث ارزشمندی است که به کوشش اندیشمندان مسلمان در طی قرون متمادی پدید آمده و در تعامل با فلسفه یونان و در نظر داشتن آموزه‌های قرآنی و حدیثی، نظام خاصی از تفکر را ایجاد کرده که می‌تواند جهان‌بینی جدید و متمایزی ارائه کند که هم از پشتوانه استدلال و برهان بهره‌مند است و هم نقشه راه زندگی یک انسان را از مبدا تا معاد ترسیم می‌کند.

علیرغم تصور رایج، تلاش فیلسوفان مسلمان محدود به فعالیت‌های انتزاعی و نظری نبوده است و در کنار آن، اندیشمندان کوشیدند با استفاده حداکثری از آزادی‌های فکری و اجتماعی که هر عصر وجود داشته، پیرامون نحوه اداره جامعه و مدیریت سیاسی و فرهنگی جامعه نیز فلسفه‌ورزی کنند و به بیان آرا و اندیشه‌های خود بپردازند. بهترین شاهد در این زمینه آثاری است که تحت عنوان «سیاست مدن و تدبیر منزل» از سوی حکما نگارش شده و بیانگر دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی آنها است.

با این وجود به نظر می‌رسد فرصت آن فرارسیده که این میراث ارزشمند مورد مطالعه مجدد قرار بگیرد و با بهره‌گیری از یافته‌ها و تجربه غربیان در امتدادبخشی به مکتب و مبانی فلسفی خود، خوانشی نو از اندیشه‌های فلسفی حکمای مسلمان ارائه شود که هم روزآمد و ناظر به شرایط موجود باشد و هم بتواند مشکلات فراوانی که امروز دنیای اسلام و جامعه ایران با آن مواجه است را علاج کند. خبرگزاری مهر در همین زمینه و با انگیزه روشن شدن ظرفیت فلسفه اسلامی در پاسخگویی به نیازهای سیاسی و اجتماعی و پیوند بیشتر با موضوعات انضمامی و روزمره، با حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا قائمی‌نیا عضو هیأت علمی گروه معرفت‌شناسی و علوم شناختی پژوهشگاه گفتگو کردیم که حاصل آن را در ادامه می‌خوانید:

**آیا فلسفه اسلامی از ظرفیت لازم برای اینکه امتداد اجتماعی پیدا کند برخوردار است یا نه و اگر برخوردار است لوازم این امتدادبخشی چه خواهد بود؟**

من ابتدا به دو نکته اشاره کنم که می‌تواند مقدمه پاسخ من باشد؛ یکی اینکه فلسفه اسلامی را اگر بخواهم با یک تشبیه نشان دهم شبیه کوهی از یخ است که بخشی از آن ظاهر شده ولی بخش بزرگی از آن پنهان است. منظورم این است مطالبی که در فلسفه اسلامی می‌بینیم ظاهر فلسفه را نشان می‌دهد و بخش عمده‌ای از آن مطالبی است که پنهان و ناگفته مانده. آن بخش گفته‌شده فلسفه اسلامی نسبت به بخش ناگفته که در بن این فلسفه وجود دارد همچنان پنهان مانده است. چه بسا آن بخشی که ناگفته مانده امکان گشایش بیشتری داشته باشد و بتوان از آن استفاده بیشتری کرد.

نکته دوم اینکه اگر منظور از امتداد، تطبیق است یعنی شما مباحث فلسفه اسلامی را به شکل تطبیق امتدادبخشی کنید که اتفاقاً در کارهای خیلی از دوستان این نکته را می‌بینم و در واقع دنبال تلفیق مباحث ظاهری فلسفه اسلامی با حوزه‌های مختلف مثل حوزه علوم اجتماعی و سیاسی هستند، این به نظرم چندان راهگشا نیست. بردن مسائل جدید ذیل مسائل سنتی فلسفه چندان راهگشا نیست چون فضای مباحث جدید تغییر کرده و ذهنیت متفاوتی می‌طلبد.

راهکاری که وجود دارد این است که شما بتوانید تلفیق‌های مفهومی جذاب و جدیدی را ارائه کنید. فلسفه اسلامی یک فضای مفهومی خاصی را تشکیل می‌دهد و زمینه‌های اجتماعی فرهنگی جدید نیز فضای مفهومی متفاوتی را تشکیل می‌دهد. باید به شیوه خاصی بین این دو فضای مفهومی تلفیق صورت بگیرد و نظریات متناسبی مطرح شود. به این معنا فلسفه اسلامی می‌تواند امتداد داشته باشد. منظور از تلفیق این است تناسب خاصی میان فضای مفهومی جدید و فضای مفهومی سنتی پیدا شود. این نیاز به خلاقیت دارد، نیاز به کار تحلیلی جدی دارد. کسانی که با زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی آشنا هستند باید به تناسب، نظر پراتی را با زمینه تفکر اسلامی مطرح کنند. این یکی از زمینه‌هایی است که می‌شود فلسفه اسلامی را امتداد داد. من برای امتداد معانی دیگری هم قائلم که می‌شود راجع به آنها بحث کرد.

**ما در تاریخ فلسفه خودمان نمونه‌ای داریم که فلاسفه اسلامی این تلفیق مفهومی را انجام داده باشند و ما بتوانیم از کار آنها الگو بگیریم؟**

در علوم شناختی این بحث مطرح می‌شود که تفکر بشر با تلفیق مفهومی جلو می‌رود. منظور این است بشر مدام فضاهای مفهومی قبلی را تلفیق می‌کند و به فضاهای جدید و نوظهور دست پیدا می‌کند. این کار در تاریخ تفکر بشر، در حوزه‌های مختلف صورت می‌گیرد و در فلسفه اسلامی هم سابقه دارد. مثلاً

مرحوم صدرا فضای مفهومی عرفان نظری را در نظر می‌گیرد، فضای مفهومی فلسفه‌های مختلف را در نظر می‌گیرد و آنها را با هم تلفیق می‌کند. مثلاً ملاصدرا نگاهی که در عرفان نسبت به وجود حق تعالی و موجودات دیگر هست و در آن گفته می‌شود

وجود حق تعالی اصل است و دیگر وجودها مظاهر آن وجود هستند، را در نسبت وجود و ماهیت مطرح می‌کند و به این معنا دو فضای مفهومی را تلفیق می‌کند.

حتی عرف هم دائماً فضاهای مختلف را تلفیق می‌کند و یک فضای مفهومی جدید می‌سازد. یک مثال از عرف بزنم. مثلاً یک جراح را در نظر بگیرید. جراح یک فضای مفهومی خاص دارد. جراح کسی است که تخصص خاصی دارد و بدن بیمار را برای درمان با چاقو می‌برد و جراحی می‌کند. این یک فضای مفهومی خاص است که بار ارزشی مثبت دارد. حالا شما فضای مفهومی یک قصاب را در نظر بگیرید. فضای مفهومی

قصاب ساختار خاص دیگری دارد. قصاب کسی است که بدن حیوان را برای تغذیه مردم می‌برد. وقتی شما این دو فضا را با هم تلفیق می‌کنید و می‌گویند «جراح قصاب» یک بار ارزشی منفی پیدا می‌کند و یک فضای نوظهور ایجاد می‌شود. در تفکر بشر مدام این اتفاق می‌افتد و بشر فضاهای مفهومی قبلی را با هم تلفیق می‌کند و به یک فضای نوظهور می‌رسد.

این فضای نوظهور حاصل تطبیق فضاهای قبلی نیست بلکه ساختار جداگانه‌ای دارد، بار ارزشی متفاوتی دارد. دقیقاً در فلسفه هم همین اتفاق صورت می‌گیرد. نسبتی که میان فلسفه اسلامی و زمینه‌های تفکر جدید وجود دارد باید ذیل تلفیق مفهومی صورت بگیرد یعنی ما باید فضاهای جدیدی را طراحی کنیم که هم از دستاوردهای فضای مفهومی فلسفه اسلامی کمک بگیرد و هم از فضای مباحث جدید، تا بتواند به پاسخی مناسب نسبت به مسائل جدید دست پیدا کند.

**بنا بر فرمایش شما اگر ما در پی علوم انسانی بومی هستیم راه حلش همین تلفیق مفهومی است؟**

بله؛ قطعاً همینطور است. فرض کنید شما می‌خواهید علوم اجتماعی اسلامی تأسیس کنید. باید فضاهای مفهومی که در تفکر اسلامی و فلسفه اسلامی وجود دارد را با فضای مفهومی علوم اجتماعی موجود تلفیق کنید. این تلفیق نیازمند مطالعه انتقادی و کشف تناسب است یعنی شما باید دو کار را جدی بگیرید؛ یکی اینکه نقد خوبی کنید و دوم اینکه بتوانید تناسب آنها را با آن چیزی که در فلسفه اسلامی هست کشف کنید و به کمک این تناسب ساختار معرفتی جدیدی را ارائه دهید.

**من هنوز در مورد «تلفیق مفهومی» ابهام دارم. یک رویکردی که برخی دنبال می‌کنند این است یکسری گزاره‌ها را از علوم غربی می‌گیرند و آن را با یکسری از آموزه‌های اسلامی ترکیب می‌کنند و به عنوان دانش اسلامی ارائه می‌دهند. حالا سوال من این است که فرق تلفیق با التقاط چیست؟**

همانطور که اشاره کردید تلفیق با التقاط فرق دارد. در التقاط شما دو چیزی که با هم تناسب ندارند را ترکیب می‌کنید و با ترکیب اینها یک ادعایی را مطرح می‌کنید. مثلاً اوایل انقلاب مارکسیست‌ها توحید را به عنوان جامعه بدون طبقه معنا می‌کردند. این یک نوع التقاط است.

در تلفیق که اتفاقاً یک نظریه مطرح در علوم شناختی است گفته می‌شود تفکر بشر با فرآیند تلفیق شکل می‌گیرد و پیش می‌رود. ما فضاهای مفهومی مختلفی داریم. این فضاها را با هم ارزیابی می‌کنیم. هر فضایی را با هر فضای مفهومی ارتباط نمی‌دهیم بلکه نوعی کشف تناسب می‌کنیم. به واسطه این کشف تناسب این فضاها را ارتباط می‌دهیم و فضای مفهومی سوم ظهور می‌کند که حاصل ترکیب فضاهای قبلی نیست.

التقاط حداقل دو تفاوت عمده با تلفیق مفهومی دارد. یکی اینکه در التقاط ما ترکیب می‌کنیم، دوم اینکه انتقاد را جدی نمی‌گیریم. در تلفیق مفهومی ما ترکیب نمی‌کنیم، بلکه ساختار فضاها را در نظر می‌گیریم و یک فضای سوم می‌تولد می‌شود. این فضا شبیه دو فضای اول نیست بلکه ساختار نوظهوری دارد و با فعالیت انتقادی به دست آمده است. اگر من یک تلفیق مفهومی از علوم اجتماعی و فلسفه اسلامی ارائه می‌دهم دانشمندان می‌نشینند این تلفیق را نقد می‌کنند و پس از نقد علمی این تلفیق قوت و ضعف خودش را نشان می‌دهد. بنابراین یکی از نقاطی که در تلفیق اهمیت پیدا می‌کند همین نقد و ارزیابی عالمانه است.

بنابراین تلفیق مفهومی به عنوان یک فرآیند شناختی بنیادین چیزی است که در تاریخ علم و معرفت رخ می‌دهد و بدون آن نمی‌توانیم ببیندیشیم ولی التقاط به معنای ترکیب خام ایده‌هایی که با هم تناسب ندارد کاملاً قابل نقد است و ما آن را نمی‌پذیریم.

**\* وقتی به فلسفه غرب نگاه می‌کنیم می‌بینیم این تلفیق مفهومی اتفاق افتاده و بین مکتب فلسفی غرب و نظریات سیاسی و اجتماعی که در غرب مطرح است تناسب وجود دارد اما وقتی به فلسفه خودمان نگاه می‌کنیم چندان در این زمینه موفق نبودیم. می‌خواستم**



**بدانم علت این مسئله به خود فلسفه و ذات فلسفه برمی‌گردد یا عوامل بیرون از فلسفه در این مسئله تأثیرگذار بوده است؟**

من هر دو را دخیل می‌دانم؛ هم عوامل درونی و هم عوامل بیرونی. بد نیست پاسخ سوال شما را با یک مثال تاریخی بیان کنم تا هم تلفیق را نشان دهم و هم بگویم چرا فلسفه اسلامی توانست مباحث اجتماعی و فرهنگی را مد نظر قرار دهد. فلسفه ارسطو وارد عالم اسلام شد. ارسطو از فیلتراهای اسلامی گذشت لذا ارسطویی که در عالم اسلام به رسمیت شناخته شد همان ارسطویی نیست که در یونان است. مثلاً خدای ارسطو تفسیر اسلامی شد، فلسفه ارسطو شکل اسلامی پیدا کرد و تلفیق مفهومی صورت گرفت. اساساً هر فلسفه‌ای که وارد عالم اسلام می‌شود تفسیر اسلامی می‌شود و تلفیق مفهومی نسبت به آن صورت می‌گیرد. لذا ارسطویی که فارابی یا ابن‌سینا مطرح می‌کنند با ارسطویی که در یونان بوده تفاوت اساسی دارد.

نکته دیگر اینکه شما می‌بینید فارابی آمد مباحث فرهنگی اجتماعی را در فلسفه خودش مطرح کرد و حتی دکتر داوری ایشان را به عنوان مؤسس فلسفه فرهنگ معرفی کرد. ما می‌پذیریم فارابی فیلسوف فرهنگ به معنای امروزی بوده، گرچه این مسئله خودش جای بحث دارد. بالاخره فارابی به مسئله جامعه، مدیریت اجتماع، مدینه فاضله توجه زیادی داشت ولی ابن‌سینا اصلاً به این بخش از فلسفه فارابی اهمیت نداد و مباحث متافیزیکی را بسط داد و کاملاً یک تفکر انتزاعی را رواج داد.

دکتر داوری این مسئله را مطرح کرد که فارابی چنین و چنان کرد ولی آسیب‌شناسی نکرد چرا در طول تاریخ، تفکر فرهنگی و اجتماعی در فلسفه اسلامی جایگاه خودش را پیدا نکرد و الان به این فکر افتادیم مباحث فرهنگی را در فلسفه خودمان دنبال کنیم. به نظر من سطره تفکر انتزاعی که از فلسفه ابن‌سینا برخاست در طول تاریخ بر فلسفه ما غلبه کرد. فارابی بر فلسفه ما غلبه نکرد. تفکر فارابی نوعی تفکر انتزاعی معطوف به زمینه‌های عینی بود ولی تفکر سینیوی اینگونه نبود. سطره تفکر سینیوی بر فلسفه اسلامی یکی از عوامل درونی در فلسفه اسلامی است که باعث شد در طول چهارده قرن مباحث فلسفه ما معطوف به فرهنگ و اجتماع نباشد.

این قضیه عوامل بیرونی هم داشت از جمله اینکه مسئله فرهنگ هیچگاه در طول تاریخ برای فلاسفه ما به عنوان مسئله اصلی مطرح نشد. پس از انقلاب اسلامی در آثار شهید مطهری و علامه طباطبایی به مسئله فرهنگ اهتمام می‌شود چون علمای ما احساس می‌کنند داریم وارد دوره جدیدی می‌شویم که مباحث فرهنگی در این دوره اهمیت دارد لذا تلاش می‌کنند فاصله علوم اسلامی را از مباحث فرهنگی و اجتماعی کمتر کنند.

به نظرم مهمترین اتفاقی که در این زمینه افتاد که تلاش می‌کرد فلسفه اسلامی را از حالت انتزاعی بیرون بیاورد بحث اعتباریات است. درست است علامه طباطبایی در نزاع با فلاسفه تجربی انگلیس بحث اعتباریات را مطرح کرد ولی ایشان به اعتباریات بعد الاجتماع خیلی توجه داشت و به یک معنا داشت فلسفه ما را از آسمان هفتم روی زمین می‌آورد و می‌خواست باب جدیدی باز کند. به نظرم اساتید ما هنوز اهمیت کار علامه را آنگونه که هست درنیافتند. علامه می‌خواست فاصله مباحث انتزاعی فلسفه را از عینیت جامعه کمتر کند و این یک فتح بایی بود که در فلسفه اسلامی صورت گرفت.

**برای جمع‌بندی اگر نکته‌ای باقی مانده بفرمائید.**

به طور کلی من قائلم فلسفه اسلامی به معنای تحت اللفظی کلمه نمی‌تواند گشایش داشته باشد مگر اینکه دو کار اساسی انجام دهیم؛ یکی اینکه تلفیق‌های مفهومی بدیع و علمی انجام دهیم که این نیاز به خلاقیت و مهارت در هر دو زمینه دارد. دوم اینکه شما به زمینه‌هایی که در فلسفه اسلامی به حاشیه رانده شده مثل بحث اعتباریات یا چیزهایی که هنوز ناگفته ماندند و در بطن فلسفه ما هستند توجه کنید و کار اساسی در زمینه آنها صورت بگیرید.



**«یک مرد معمولی»؛**

**واگویی‌های نویسنده با پدرش!**

نویسنده در کتاب «یک مرد معمولی» با پدرش حرف می‌زند، او را با ضمیر تو خطاب می‌کند و اینگونه لایه‌های درونی و ذهنی خود را تا عمیق‌ترین خاطرات کودکی اش می‌کاود.

ایو سیمون نویسنده معاصر فرانسوی است که آثارش به هجده زبان زنده دنیا ترجمه شده است اما «یک مرد معمولی» اولین کتابی است که از او به فارسی برگردانده می‌شود. این کتاب با ترجمه حمیده لطفی‌نیا و رومینا طاهری توسط نشر هرمس منتشر شده است.

در یادداشت حمیده لطفی‌نیا بر این کتاب آمده است: «یک مرد معمولی» واگویی‌های نویسنده است با پدرش. در تمام کتاب راوی که پدرش را یا ضمیر «تو» خطاب می‌کند، گاهی با غم و گاهی با شادی، با حرف زدن با وی لایه‌های درونی و ذهنی خود را به ما نشان می‌دهد. پدر که امروز دیگر نیست برای او یادآور کودکی است. لایه‌های این زمزمه‌ها گاهی پدر را ملامت می‌کند و گاه او را می‌بخشد یا حتی می‌ستاید. در این کتاب، تمام خاطرات او از زندگی در زادگاهش با حرف زدن با پدرش زنده می‌شود و گویی دوباره آن روزها را زندگی می‌کنند.

در نوشته پشت جلد کتاب نیز می‌خوانیم: «معمولی» صفتی است که از آن خوشم می‌آید چراکه بهتر از هر چیز دیگری تو را به تصویر می‌کشد. اگر در زمان زنده بودن از این صفت نارضایتی‌هایی نشان می‌دادم، امروز با افتخار آن را انتخاب می‌کنم. در حقیقت افتخار می‌کنم که نسب از موجودی چون تو می‌برم، که از گوشت و خون ارزشمند طبقه کارگر و قشر کمتر شناخته شده کارمندان راه‌آهنم. این تویی، مرد خط‌های آهن، که در تمام زندگی گذرت تنها به سه شهر افتاد اما به من شوق سفر بخشید. پیش از همه شوق سفر روی شبکه ریلی فرانسه و سپس گستره خطوط هوایی. وجود ما بر پایه تضاد بنا شده بود. کیمیاگری مرموزی که من را از طریق ژنتیک به تو پیوند می‌داد بی‌هیچ اعجابی اشتیاقم به کلمه‌ها و موسیقی را به من عطا کرد. حال آنکه تو کتاب نمی‌خواندی و به جز والس موزت هیچ موسیقی‌ای دوست نداشتی. در درخت اجدادی تو، من شاخه‌های غیرمنتظره بودم، برگ‌وبار هنرمند، ردپایی که هرگز نمی‌توانستی تصور کنی. بر جای می‌گذاری. تو از خستگی مفرط نابود شده بودی، خستگی از تضادهایی که همچون رسوبی ماندگار بر گل وجود انسان‌هایی می‌چسبند که هیچ میل و گرایش به پیشرفت ندارند.

ایو سیمون متولد ۱۹۴۴ است هم‌اکنون در پاریس زندگی می‌کند و مشغول نوشتن خودزندگی‌نامه‌اش است. سیمون با موسیقی به دنیای هنر وارد شد و تا سال ۱۹۷۷ ترانه می‌نوشت و خواننده بود، سپس به‌طور جدی با به دنیای نویسندگی گذشت. او در این عرصه خوش درخشید و جوایز بسیاری از جمله جایزه ادبی مدیسی و بالاترین درجه نشان ادب و هنر و لیاقت فرانسه و لژیون دونور را دریافت کرده است.

«یک مرد معمولی» نوشته ایو سیمون با ترجمه حمیده لطفی‌نیا و رومینا طاهری در ۵۹ صفحه در نشر هرمس منتشر شده است.



## فرا فکنی تهدیدات

الهه سادات موسوی نژاد



### منازعه اسرائیل-ایران

دکتر میرشایمر ادعا می‌کند که اسرائیل فعالانه در تلاش است تا ایالات متحده را به درگیری با ایران بکشاند و مصادیق آن را حمله به ساختمان سفارت ایران در دمشق و ترور هنیه در تهران می‌داند. او چندین دلیل برای این امر پیشنهاد می‌کند:

— حفظ حضور نظامی ایالات متحده در خاورمیانه — انحراف توجه از مسئله فلسطین

— رسیدگی به نگرانی‌ها درباره برنامه هسته‌ای ایران درباره ایران، میرشایمر معتقد است که نه ایران و نه ایالات متحده تمایلی به ورود به یک جنگ مستقیم ندارند، اما اسرائیل به شدت به دنبال تحریک آمریکا به انجام یک رویارویی نظامی با ایران است. سخنران درباره پتانسیل تشدید تنش‌ها بین اسرائیل و ایران هشدار می‌دهد، به این معنا که اسرائیل به صورت مداوم و پلکانی، با افزایش سطح تنش، ایران را وادار به پاسخ‌های متقابل کند و در نهایت ایالات متحده وارد جنگ با ایران شود. او معتقد است هرگاه ایران و ایالات متحده تلاشی برای بهبود روابط خود با یکدیگر کرده اند لایه بهبود در آمریکا مانع آن شده است.

### پیامدهای ژئوپلیتیکی گسترده‌تر

میرشایمر تحولات خاورمیانه را بخشی از رقابت گسترده‌تر ژئوپلیتیکی بین دو بلوک بزرگ جهانی دانست. از یک سو، ایالات متحده، اروپا و اسرائیل قرار دارند و از سوی دیگر، چین، روسیه، ایران و کره شمالی. وی هشدار داد که این تنش‌ها ممکن است به درگیری‌های گسترده‌تری منجر شود که پیامدهای خطرناکی برای امنیت جهانی، به ویژه در منطقه خاورمیانه، به همراه خواهد داشت.

### مسئله فلسطین

دکتر میرشایمر سخنرانی خود را با ارزیابی غم‌انگیزی از وضعیت فلسطینی‌ها به پایان می‌رساند. او نگرانی عمیقی برای آینده فلسطینی‌ها ابراز می‌کند و این بیم را دارد که:

۱. دولت‌های اسرائیل ممکن است به طور فزاینده‌ای راست‌گراتر و جنگ‌طلب تر شوند.
۲. ایالات متحده به دلیل نفوذ لابی اسرائیل به حمایت بی‌قید و شرط از اسرائیل ادامه خواهد داد.
۳. تلاش‌ها برای پاکسازی قومی فلسطینی‌ها از غزه و کرانه باختری ممکن است تشدید شود.

### نتیجه‌گیری

در نهایت، تحلیل میرشایمر از یک دیدگاه واقع‌گرایانه در روابط بین‌الملل سرچشمه می‌گیرد. او معتقد است که منافع استراتژیک قدرت‌های بزرگ جهانی، به ویژه در مناطق بحرانی مانند خاورمیانه، تعیین‌کننده اصلی سیاست‌ها و درگیری‌های بین‌المللی است. اسرائیل همواره بدنال فرا فکنی تهدیدات در منطقه است و تا زمانی که مسئله فلسطین حل نشود، این منطقه همچنان به عنوان یکی از منابع اصلی بی‌ثباتی جهانی باقی خواهد ماند و تاثیرات گسترده‌ای بر امنیت بین‌المللی خواهد داشت.

اسرائیل مسئول بحران‌سازی در خاورمیانه است. به باور وی، سیاست‌های اسرائیل نسبت به فلسطینیان، به‌ویژه در قبال نوار غزه، یکی از عوامل اصلی خشونت‌ها و بی‌ثباتی‌های جاری است. وی اسرائیل را به پیاده‌سازی سیستم آپارتایدی مشابه با آنچه در آفریقای جنوبی وجود داشت، متهم می‌کند. به عقیده وی، عملاً آپارتاید رژیم اسرائیل باعث ایجاد بحران و جنگ در خاورمیانه است. او برای اثبات موضوع آپارتاید اسرائیل، به سه گزارش مهم از سه نهاد حقوق بشری جهانی استناد می‌کند.

### رابطه اسرائیل و ایالات متحده

بخش قابل توجهی از سخنرانی دکتر میرشایمر بر رابطه منحصربه‌فرد بین ایالات متحده و اسرائیل متمرکز بود. او این رابطه را به عنوان رابطه غیرعادی توصیف می‌کند که "در تاریخ ثبت شده بی‌سابقه است"، و با حمایت بی‌قید و شرط ایالات متحده از اسرائیل، به ویژه در مورد مسئله فلسطین، مشخص می‌شود. این وابستگی ایالات متحده به اسرائیل، بخشی از سیاست خارجی آمریکا است که خاورمیانه را همچنان در دستور کار واشنگتن نگه می‌دارد و مانع از پرداختن آمریکا به چین می‌شود و عملاً بر اساس منافع ملی آمریکا نیست.

### منازعات خاورمیانه

دکتر میرشایمر سه درگیری عمده در خاورمیانه را شناسایی می‌کند که اگرچه کاملاً مستقل نیستند، اما نیاز به تحلیل جداگانه دارند:

— درگیری اسرائیل-فلسطین (با تمرکز بر غزه)

— درگیری اسرائیل-حزبالله

— درگیری ایران-اسرائیل (و به تبع آن، ایران-ایالات متحده)

### اهداف اسرائیل پس از ۷ اکتبر

میرشایمر استدلال می‌کند که پس از وقایع ۷ اکتبر ۲۰۲۳، اسرائیل سه هدف اصلی را دنبال کرده است که در رسیدن به هر سه ناکام بوده است:

— شکست حماس

— آزدسازی گروگان‌ها

— پاکسازی غزه از فلسطینی‌ها (هدفی که به گفته وی اغلب ناگفته می‌ماند)

میرشایمر به شدت از سیاست‌های اسرائیل در نوار غزه انتقاد کرد و این اقدامات را به عنوان تلاش برای انجام یک "پاک‌سازی قومی" معرفی نمود. وی مدعی است که اسرائیل به دنبال ایجاد یک دولت یهودی خالص است و از طریق اقدامات نظامی و اقتصادی در نوار غزه، قصد دارد فلسطینیان را از این منطقه بیرون کند. به باور میرشایمر، آنچه در غزه در حال وقوع است، شکلی از نسل‌کشی است که هدف آن حذف کامل حضور فلسطینیان از این منطقه است.

### منازعه اسرائیل-حزبالله

وی استراتژی اسرائیل علیه حزب‌الله را به شرح زیر توصیف می‌کند:

— استراتژی قطع سر (هدف قرار دادن رهبری)

— مجازات جمعیت غیرنظامی در لبنان

— حمله به جنوب لبنان و از بین بردن توانایی رزم حزب الله او استدلال می‌کند که شواهد تاریخی نشان می‌دهد این استراتژی‌ها احتمالاً در شکست حزب‌الله یا پایان دادن به توانایی آن برای تهدید شمال اسرائیل موفق نخواهند بود. لذا این نتایج اسرائیل را به سمت منازعه دیگری سوق می‌دهد.

سخنرانی میرشایمر که ۱۳ اکتبر ۲۰۲۴ در مرکز مطالعات خاورمیانه دوحه در تحلیل نظام جدید بین الملل و اینکه مشکل اصلی در خاورمیانه اسرائیل است نه ایران را در ادامه می‌خوانیم.

دکتر جان میرشایمر (John Mearsheimer) استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو و یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، در نظریه معروف خود تحت عنوان «رنالیسم تهاجمی» بر این باور است که دولت‌ها همیشه به دنبال افزایش قدرت خویش هستند و این روند به تنش‌ها و درگیری‌های بین‌المللی منجر می‌شود. میرشایمر همچنین در کتاب بحث برانگیز خود "The Israel Lobby and U.S. Foreign Policy" به همراه استفان والت، به نقش لابی اسرائیل در سیاست خارجی ایالات متحده پرداخته است. نظریات او غالباً به تحلیل‌های ژئوپلیتیک و نقد سیاست‌های قدرت‌های جهانی متمرکز است.

میرشایمر اخیراً در یک سخنرانی در دوحه قطر با عنوان "یک سال پس از ۷ اکتبر: غزه و پیامدهای جهانی آن" در تاریخ ۱۳ اکتبر ۲۰۲۴ در موسسه شورای خاورمیانه در امور جهانی (The Middle East Council on Global Affairs)، به تحلیل وقایع غزه و تأثیرات جهانی آن پرداخته است. در این گفتگو، او به بررسی دینامیک قدرت در خاورمیانه و نقش قدرت‌های بزرگ در این منطقه پرداخته و چگونگی تغییرات در نظم بین‌المللی را مورد بحث قرار داد. این نوشتار نکات کلیدی سخنرانی دکتر میرشایمر را خلاصه و تحلیل می‌کند.

### تغییرات ساختار قدرت جهانی

میرشایمر سخنان خود را با تبیین ساختار قدرت جهانی از اواسط قرن بیستم آغاز کرد و توضیح داد که در حال حاضر شاهد یک سیستم چندقطبی هستیم.

به طوریکه در نظام دوقطبی (۱۹۴۷-۱۹۹۱)، جهان تحت سلطه دو ابرقدرت، ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی بود و در نظام تک‌قطبی (۱۹۹۱-۲۰۱۷): پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایالات متحده به عنوان تنها ابرقدرت ظهور کرد و اما در نظام چندقطبی (۲۰۱۷-حال حاضر): ظهور چین و احیای روسیه، عصر جدیدی از رقابت قدرت‌های بزرگ را به ارمغان آورده است.

به گفته وی، در دنیای چندقطبی امروز، سه قدرت بزرگ وجود دارد:

— ایالات متحده (در جایگاه اول)

— چین (دومین قدرت نزدیک و رقیب همتراز از نظر ایالات متحده)

— روسیه (در جایگاه سوم با فاصله زیاد)

او تأکید می‌کند که این تغییر در ساختار قدرت جهانی پیامدهای عمیقی برای سیاست بین‌الملل و درگیری‌های منطقه‌ای دارد. وی تمرکز ایالات متحده بر سه منطقه کلیدی را برجسته می‌کند:

— شرق آسیا (به دلیل حضور چین)

— اروپا (به دلیل حضور روسیه)

— خلیج فارس (برای منابع نفتی آن)

وی استدلال می‌کند که در حالت ایده‌آل، ایالات متحده ترجیح می‌دهد تلاش‌های خود را بر مهار چین در شرق آسیا متمرکز کند. با این حال، درگیری‌های مداوم در اروپا (جنگ اوکراین) و خاورمیانه و اسرائیل مانع از "چرخش کامل به آسیا" (Pivot to Asia) شده است. وی معتقد است حالت ایده‌آل برای سیاست خارجی آمریکا باید این باشد که آمریکا با روسیه بر علیه چین متحد شوند، ولی عملاً در اوضاع کنونی قضیه برعکس است.

### پیچیدگی‌های خاورمیانه

وی برخلاف دیدگاه رایج در غرب که ایران را به عنوان عامل اصلی بی‌ثباتی در منطقه معرفی می‌کند، استدلال می‌کند که



## تضعیف اسرائیل از طریق یک رویارویی فرسایشی

احد نوری اصل

برنامه «گفتگوی سیاسی» رادیو گفت‌وگو با موضوع افزایش قدرت تهاجمی حزب‌الله و مدیریت میدان جنگ با صهیونیست‌ها و با حضور دکتر احد نوری اصل مدرس و پژوهشگر مسائل سیاسی به روی آنتن رفت.

احد نوری اصل ضمن اشاره به شهادت فرماندهان عالی حزب‌الله از جمله دبیر کل آن سیدحسن نصرالله تصریح کرد: علی‌رغم این مسئله، نه تنها خللی در وضعیت تدافعی و تهاجمی حزب الله ایجاد نشده است بلکه حملات حزب الله شدیدتر هم شده است.

وی به عقبه تشکیل حزب الله اشاره و بیان کرد: این جنبش سیاسی و نظامی زمانی شکل گرفت که جنگ داخلی در لبنان اتفاق افتاده بود. اسرائیل هم به طور همزمان به لبنان ورود کرده بود و چندین حمله انجام داد که از سال ۱۹۸۲ به بعد تشدید یافت. ارتش صهیونیستی در آن زمان تا قلب بیروت نفوذ پیدا کرده بود و تلاش داشت به بخش عظیمی از جنوب لبنان دسترسی پیدا کند. در آن شرایط، حزب الهی شکل گرفت که به صورت گام به گام رشد کرد و تکامل یافت.

این مدرس دانشگاه در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو اشاره کرد: حزب‌الله در جنگ‌های متعددی که علیه رژیم صهیونیستی شرکت کرده بود توانست این رژیم را به پشت مرزهای لبنان عقب برگرداند و این موفقیت گام به گام حزب‌الله، کار را به جایی رسانده است که متکی به شخص، افراد و رهبران خود نیست زیرا تشکیلات قوی و منسجمی دارد. رژیم صهیونیستی درک کاملی از این موضوع دارد و می‌داند با ترور کردن نمی‌تواند به اهداف خود دست یابد.

وی افزود: رژیم صهیونیستی علی‌رغم گسترده بودن تمام ترورها و جنایت‌هایی که مرتکب شده است نتوانسته هیچ کدام از گروه‌های مقاومت را تضعیف کند؛ بلکه با وضعیت تهاجمی شدیدتری از سوی گروه‌های مقاومت روبرو شده است. حزب الله همان روز بعد از شهادت سیدحسن نصرالله عملیات سنگین تری علیه رژیم صهیونیستی انجام داد و از موشک‌های بالستیک خود استفاده می‌کند.

نوری اصل با بیان اینکه حزب‌الله و دیگر گروه‌های مقاومت به حدی تشکیلاتی و شبکه‌ای شده‌اند که اتکالی آنها به افراد به شدت کاهش یافته، اظهار کرد: با وجود آنکه سیدحسن نصرالله و سایر فرماندهان، عزیزان و سرمایه‌های جبهه‌های مقاومت هستند و شهادت آنها قطعاً به حزب‌الله و گروه‌های مقاومت ضربه وارد می‌کند اما در عمل چون کار تشکیلاتی، شبکه‌ای و با فرماندهی واحد انجام می‌دهند، خللی در روند عملیات‌های مقاومت ایجاد نمی‌کند.

وی با تصریح بر این موضوع که حزب‌الله توانسته است در هر جبهه، رژیم صهیونیستی را محاصر و محدود کند بیان کرد: گالات وزیر جنگ رژیم صهیونیستی اذعان کرد در میان حلقه آتش گروه‌های مقاومت گیر افتاده‌اند و با چالش و سختی‌های زیادی روبرو هستند. بدون تردید گروه‌های مقاومت با تجربه‌هایی که به دست آورده‌اند نه تنها با ترور شدن تضعیف نمی‌شوند بلکه وضعیت آنها به شدت تهاجمی‌تر خواهد شد.

این پژوهشگر مسائل سیاسی از گسترش منطقی که حزب الله در آن می‌جنگد گفت و اشاره کرد: حزب‌الله طی یک سال سطح درگیری‌ها و میدان نبرد را از مرزهای شمالی به مرزهای جنوبی سرزمین‌های اشغالی رسانده است و در این راستا حیفا و تل‌آویو را مورد حمله قرار می‌دهد که این مسئله نشان می‌دهد تضعیف اسرائیل از طریق یک رویارویی فرسایشی طولانی مدت، استراتژی مورد ارائه حزب‌الله است. وی اشاره کرد: حزب‌الله از همان ابتدا می‌توانست حیفا و تل‌آویو را هدف قرار دهد اما سعی کرد مناطق شمالی سرزمین‌های اشغالی را خالی از سکنه کند و این کار را با راکت‌هایی که در اختیار داشت، انجام داد. پس از اهداف نزدیک و در دسترس که باعث مهاجرت نزدیک به صد هزار نفر از شهرک نشینان شد، به تدریج قدرت تهاجمی حزب الله افزایش پیدا کرد و به سمت مناطق جنوبی حرکت کرد.

## پایان نزدیک است: نتانیاهو خداوند را به مبارزه می‌طلبد!

ادهم شرقاوی



هم نمی‌تواند مرا از رسیدن به ریاست جمهوری بازدارد! او آرا را به دست آورد، اما یک روز قبل از مراسم تحلیفش به بیماری واگیرداری مبتلا شد و پس از یک ماه بدون اینکه حتی یک روز هم روی صندلی ریاست جمهوری بنشیند، به هلاکت رسید!

۲. رئیس‌جمهور برزیل، «تانکریدو نواس» در جریان مبارزات انتخاباتی خود گفته بود: «اگر پانصد هزار رأی بیاورم، حتی خدا

همه گناهانی که ما انسان‌ها مرتکب می‌شویم در یک کفه و بی‌ادبی و بی‌احترامی به خداوند در کفه دیگر خداوند به گناهکاران مهلت می‌دهد، تا جایی که گاهی مردم از صبر و بردباری خداوند نسبت به گناهکاران شگفت‌زده می‌شوند، اما هرگز نشنیده‌ام که کسی با وجود بی‌احترامی به خداوند، نجات یافته باشد! از نمود تا فرعون، از قارون تا قوم عاد و ثمود، و همچنین قوم لوط، سنت خداوند این است که هر کس به او بی‌احترامی کند، مردم در او شگفتی‌های قدرت خدا را خواهند دید!

نتانیاهو حرفی عجیب زد و گفت: «حتی اگر خدا هم با آنها باشد، ما آنها را شکست خواهیم داد!» این همان نقطه‌ای است که در آن صبر خداوند بر مردم به پایان می‌رسد! سیاست خداوندی را که جباران را هنگامی که در قلمرو و قدرتش با او به مبارزه برمی‌خیزند، در هم می‌شکند، منتظر باشید، چرا که تاریخ درس‌های بسیاری دارد!

۱. کشتی تایتانیک، پس از کشتی نوح علیه‌السلام دومین کشتی معروف تاریخ است! در زمان ساختش، این کشتی یک شاهکار







## نتفلیکس ۱۹ فیلم مرتبط با فلسطین را حذف کرد، آمازون رمان «خار و میخک» را سانسور فلیکس

ایمان عظیمی



و هیچ احترامی هم برای افکار عمومی‌ای که همچون آنها فکر نمی‌کنند، قائل نیستند. جنبه مبتذل و احمقانه ماجرا آنجاست که این جماعت در برابر کسانی که عاشقانه در جهت دفاع از ارزش‌های خود اسلحه به دست می‌گیرند، می‌ایستند و چنگ و دندان نشان می‌دهند ولی در برابر اشخاص معلوم‌الحال که هیچ محدودی برای توهین به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و دینی قائل نیستند تسلیم محضند و حتی راه را برای بروز و انتشار تولیدات سینمایی و به‌اصطلاح فرهنگی و هنری‌شان باز می‌گذارند. برای نمونه، شهادت یحیی سنوار به دست ارتش صهیونی به‌قدری پرصلاطت و اسطوره‌ای بود که توجه بسیاری از مردم جهان را به خود جلب کرد و آنها را برای خرید رمان «خار و میخک» به سایت آمازون فراخواند ولی همین حد از واکنش هم به مذاق جماعت صهیونیست خوش نیامد و با اعمال زور و فشار مانع از فروش این رمان شدند. در واقع صهیونیسم جهانی دوست ندارد چهره سنوار رمان‌نویس با کنار رفتن انگ‌ها و تهمت‌هایی که از وی به‌عنوان یک تروریست یاد می‌کردند، نمود پیدا کند و سوی دیگر زیست او به مخاطب معرفی شود. اما همانطور که در ابتدای این بحث اشاره شد فقدان کتاب‌های سنوار در سایت‌های اینترنتی خرید و دانلود کتاب در جهان قرار نیست مانع و خدش‌های بر شخصیت والای او و اعمال قهرمانانه‌اش بیندازد و از وی کاراکتری خوش‌نیت‌طلب به‌جهانبان مخابره کند. در حوزه سینمای مستند هم وضع بهتر از این نیست و کفه ترازو به نفع طرف اسرائیلی سنگینی می‌کند. آنها عملیات هفت اکتبر را وارونه جلوه می‌دهند و با روایت تاریخ از انتها به ابتدا باعث می‌شوند تا مخاطب طرف صهیونیست‌ها را بگیرد. برای نمونه استودیو پارامونت در اقدامی بی‌شرمانه، با ساخت فیلم مستند «ما دوباره می‌رقصیم» سعی در سفیدشویی از رژیم صهیونیستی داشت ولی اعتراضات نسبت به این فیلم و مستند «شهادت دادن به کشتار ۱۷ اکتبر» موجب شد آنطور که این افراد دوست دارند کار پیش نرود و غرب نتواند حداقل ذهنیت طیف الیت خود سوار شود و واقعیت را آنطور که نمایان دارد به دیگری عرضه کند. اما از طرف دیگر پخش مستند «ما دوباره می‌رقصیم» که به‌نوعی طرف فلسطین و مردم غزه را گرفتند نیز به‌عنوان مزاحمت نبوده است. برای مثال فیلم «از زمین صفر» به‌عنوان نماینده فلسطین در اسکار ۲۰۲۵ با مشکلات زیادی برای پخش رسمی اثر مواجه شد. این فیلم قرار بود در جشنواره کن گذشته به نمایش دربیاید ولی اکران آن توسط مسئولان برگزاری فستیوال لغو شد ولی رشید ماشاروا، تهیه‌کننده آن با استفاده از یک پروژکتور فیلم را در فضای بیرونی جشنواره اکران کرد و صدایش را به گوش مردم جهان با برپایی چادر و استفاده از پرچم فلسطین در ورودی آن رساند.

قدرت غرب در جنگ نرم کماکان دست برتر را دارد و ملت‌ها برای اینکه بتوانند عاملیت پیدا کنند باید دست از تلاش برای حضور در زمین بازی غربی‌ها بردارند و با اتکا بر توان خود، ظرفیت‌هایشان را به منصفه ظهور برسانند و جنگ روایت‌ها را برنده شوند. عملیات طوفان الاقصی همچون یک بهار دوباره است که می‌تواند مزمه تغییر را به واقعیتی همیشگی و دلنشین تبدیل کند، پس نباید از آن روی گرداند.

منفعت‌طلب خود دگرگون کردند. دومینوی کنترل هالیوود توسط یهودیان نه به‌صورت آنی، بلکه به‌مرور کامل شد و آنها حتی زیر فشار محافظه‌کارهای آمریکایی نیز توانستند عملکرد خود را در راستای ایجاد یک امپراتوری عظیم مالی کامل کنند و به بسیاری از رذائل اخلاقی در قالب فیلم‌هایی که تولید می‌کردند رسمیت و ارزش ببخشند. در همین راستا «هنری فورد»، خودروساز مشهور آمریکایی در مقاله‌هایی با اسم «جنبه یهودی در سینما» و «برتری یهودی در سینما» نسبت به اوج‌گیری فعالیت یهودیان و صهیونیست‌ها در صنعت سینمای آمریکا هشدار داد و آنها را به‌عنوان افراد شروری که می‌خواهند «خشونت» را در

کشور به‌عنوان یک اصل اساسی در نظر بگیرند و عادی جلوه‌اش دهند، مورد خطاب قرار داد. او گفت این جماعت از «سکس» و «خشونت» در قالب پدیده‌هایی به شدت جذاب یاد می‌کنند تا بدین واسطه آثار کمپانی‌های وابسته به خود را در صدر فهرست فروش جای دهند و دیگران را از دستیابی به این مهم بازدارند. محافظه‌کارهای آمریکایی و فاشیست‌ها به هر مستمسکی چنگ زدند تا از نقش یهودیان در صنعت هالیوود و رشد روزافزون آن بکاهند و هرچند در ابتدا به موفقیت‌هایی نظیر تصویب و اجرای قانون «نظامنامه تولید تصاویر متحرک» موسوم به «هیپز کد» هم دست یافتند اما در آخر نتوانستند نسبت به اجرای آن پافشاری بیش از حدی بروز دهند و عاقبت بساط این قانون در سال ۱۹۶۸ برچیده شد. صنعت سینمای آمریکا در آن سال‌ها تنها تحت مالکیت بروکرات‌های کاتولیک و بانکداران پروتستان اداره نمی‌شد، بلکه مدیران یهودی استودیوها هم در این بین نقش ویژه‌ای را برای خود دست‌وپا کرده بودند و همانند دو گروه قبلی از خویش به‌عنوان مدعی دفاع از اصول اساسی آمریکا یاد می‌کردند. پیش از آغاز دوران فیلم‌های افشاگرانه در دهه ۷۰ میلادی و مطرح شدن سینماگران موج نوی هالیوودی، اتو پرمنیجر تصمیم به ساخت فیلم «خروج» (۱۹۶۰) گرفت. این اثر در قالبی حماسی ماجرای تشکیل دولت اسرائیل را در سرزمین فلسطینیان در سال ۱۹۴۸ روایت می‌کرد و بسیار مورد توجه شورای یهودیت آمریکا قرار گرفت، توجهی که سرآغاز شکل‌گیری دیدگاه‌های مثبتی درخصوص دولت جعلی یهود در میان آمریکایی‌ها بود و سیر حرکت تاریخ سینما را به نفع صهیونیست‌ها تغییر داد. پرمنیجر برای ساخت این اثر از دالتون ترومبوی مغضوب در دوران سيطرة مک‌کارتیسم استفاده کرد و عملاً به دوران سيطرة فهرست سیاه صنعت فیلمسازی آمریکا برای همیشه خاتمه داد.

### ■ سانسور هدفمند در برابر اسم فلسطین

فلسطین یک حقیقت همیشه زنده است و نمی‌توان آن را همچون بسیاری از چیزها از حافظه مردم جهان پاک کرد. ولی صهیونیست‌ها و حامیان‌شان به‌خاطر برخورداری از منابع عظیم مالی و کنترل روی بازارهای مختلف فرهنگی و هنری می‌توانند تا جایی که امکان دارد جلوی انتشار صدای حق و حقیقت را در عرصه جنگ نرم بگیرند و بر این ایده که نقد و نظر مخالف هم باید از صافی نظر آنها رد شود، صحنه بگذارند. «آمازون»، «نتفلیکس» و دیگر پلتفرم‌های ایجادشده توسط بنگاه‌های مالی غربی اگرچه وظیفه اصلی خود را خدمت به بشریت و پرکردن اوقات فراغت وی نشان می‌دهند اما کاربزره اصلی آنها خدمت به صهیونیسم جهانی در مواقع اضطرار و استثناست. با شروع عملیات طوفان الاقصی برای آنها که می‌اندیشند روشن شد غرب رسالتی جز خدمت به اسرائیل ندارد و در این راستا تمام محدودیت‌های اخلاقی از پیش موجود را از میان برمی‌دارد. حذف فیلم‌های کارگردانان فلسطینی از نتفلیکس درحالی اتفاق می‌افتد که گردانندگان این استریم از هر امکانی برای جا انداختن ضدازش‌ها و ضدهنجارهایی نظیر همجنس‌بازی بهره می‌برند و حتی انتقادات نسبت به اتخاذ این رویکرد را برنمی‌تابند

همین چند روز پیش خبر رسید که نتفلیکس، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین سرویس‌های استریم پخش فیلم در سراسر دنیا ۱۹ فیلم فلسطینی یا آثار مرتبط با وضعیت فلسطینیان را از این پلتفرم حذف کرده است؛ اقدامی که بسیار خبرساز و جنجال‌آفرین بود و حتی واکنش سازمان حقوق بشری «آزادی به پیش» (freedom forward) را نیز در پی داشت و از نتفلیکس خواست در این مورد پاسخگو باشد که چرا چنین اتفاقی را رقم زده است. آنها اما در پاسخ بیانیه‌ای منتشر و ادعای حذف آثار فلسطینی را تکذیب کردند و حذف این فیلم‌ها را به مسئله پایان قرارداد آنها مرتبط دانستند. اما روی دادن این اتفاق مسبوق به سابقه است و صنعت هنر در غرب کارکردی جز حذف، جرح، تعدیل و دستکاری واقعیت موجود در صحنه جهان ندارد و مدام بر این اصل تأکید می‌کند که مجبور است به بهانه ممانعت از ترویج تروریسم جلوی بسیاری از عقاید و افکار را بگیرد و به احادی هم در این زمینه جواب پس ندهد. به عبارت دیگر این آنهایند که فاتحانه خود را در مقام شاک، وکیل و قاضی معرفی می‌کنند و در ادامه به اقامه دعوا و صادر کردن حکم می‌پردازند و بدون اینکه فرصت دفاع به دیگری بدهند او را به بند مجازاتی که خود صلاح بداند گرفتار می‌کنند. در این مورد خاص فیلمسازانی نظیر «الیاس سلیمان»، «هانی ابواسد»، «آنماری جاسر» و... بدون اینکه اسلحه‌ای دست بگیرند و در برابر سربازان صهیونیسم مبارزه کنند و ادعای گرفتن زمین از جنگ آنها را داشته باشند مجازات شدند و آثارشان در بیدادگاه این پلتفرم حذف شد. این اتفاقات درحالی رقم می‌خورد که نتفلیکس یک کمپانی عظیم مالی است و با ارزش ۳۲۲ میلیارد دلاری در بازار به‌عنوان بیست‌وهشتمین شرکت سوده جهان شناخته می‌شود و این توانایی را دارد که فرصت نمایش فیلم‌ها را برای کاربرانش تمدید کند ولی این کار را انجام نمی‌دهد چون هم سود و صرفه‌ای برایش ندارد و هم ادامه این روش و شناخت بیشتر مردم فلسطین از دریچه دوربین فیلمسازان این کشور به مصلحت صهیونیسم جهانی نیست. در ادامه به خدمات متقابل صهیونیسم و هنر مدرن، خاصه هنر-صنعت سینما می‌پردازیم و نمونه‌های بیشتری از رفتار دوگانه غرب در مواجهه با «هنر مقاومت» را به شما عرضه می‌کنیم.

### ■ رابطه عاشقانه هالیوود و اسرائیل

هالیوود سال‌ها پیش از شکل‌گیری نطفه اسرائیل در اراضی فلسطینی رابطه عاشقانه‌اش با صهیونیسم را آغاز کرده بود و فقط پس از ایجاد اولین دولت یهود در سال ۱۹۴۸ توسط داوید بن‌گوریون پیوندش با این رژیم نوپا و جعلی را مستحکم‌تر کرد. اتفاقی در حال رخ دادن بود که بسیار فراتر از پدید آمدن یک اتحاد بود. آنها قصد داشتند «صهیونیسم سیاسی و فرهنگی» را با استفاده از صنعت سرگرمی هالیوود در قالب یک وضعیت تماماً عادی نشان دهند و طرف اسرائیلی هم وظیفه سرگرم کردن افکار عمومی مردم دنیا را از طریق تماشای آثاری که به‌نوعی با ایدئولوژی آنها همراه و هم‌مسیر است به صنعت در حال رشد و توسعه هالیوود برون‌سپاری کند. اما هالیوود و دولت جعلی یهود برای موفقیت در این راه نیازمند شبکه‌سازی‌های دقیق مالی و معنوی برای جا انداختن ایده سرزمین موعود بودند؛ آنها کارشان را هم بر پایه یک طراحی دقیق و حساب شده پیش بردند و موفق شدند انحصار بسیاری از لوازم سرگرمی را از آن خود کنند. افسانه‌های زیادی در رابطه با کشیده شدن پای جک وارنر (یکی از چهار برادر یهودی بنیانگذار کمپانی هالیوودی برادران وارنر) به صنعت سینما مطرح می‌شود که بازگویی آن خالی از لطف نیست. مثلاً اینطور عنوان می‌کنند که جک وقتی با پدیده فیلم‌های صامت مواجه شد به خانه رفت و از مادرش در رابطه با خرید سالن سینما مشورت خواست، مادر در جواب به او گفت: «سینما کالای خوب و ارزشمندی است چون مشتری پیش از دیدن کالا پولش را می‌پردازد.» این جمله شاید هیچ‌گاه توسط مادر جک وارنر گفته نشده باشد ولی واقعیت این قوم را نشان می‌دهد. بسیاری از جوانان یهودی در بدو ورود به آمریکا جذب صنعت نوپای فیلم شدند و آن را تحت‌تأثیر ذهن



## اکران با اضافه کردن یک کپشن!

«سینما متروپل» به کارگردانی محمدعلی باشه‌آهنگر که اکران آن در ۲ سال گذشته به تعویق افتاده بود، بالاخره توانست پروانه نمایش بگیرد و از اواخر آبان‌ماه روی پرده سینماها می‌رود.

این فیلم پس از جشنواره فیلم فجر ۱۴۰۱، در مرحله بازبینی شورای پروانه نمایش سازمان سینمایی به اصلاحیه‌هایی برخورد و پروسه صدور مجوز آن بیش از ۲ سال طول کشید. پس از تعامل‌های انجام شده و صرفاً اضافه شدن یک کپشن به انتهای فیلم، «سینما متروپل» بدون اعمال اصلاحیه موفق به گرفتن پروانه نمایش شد و به مرحله اکران رسید.

این فیلم که محصول بنیاد سینمایی فارابی است، در چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر نامزد دریافت سیمرغ ۱۳ رشته شد که علاوه بر سیمرغ بهترین فیلم، سیمرغ‌های بهترین کارگردانی و بهترین فیلمبرداری را هم دریافت کرد. «سینما متروپل» همچنین دیپلم افتخار بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را هم از این جشنواره گرفت.

## برنامه جدید رامبد جوان باه‌ه تماشاگر برای نمایش خانگی



رامبد جوان کارگردان «کارناوال» درباره جزئیات این برنامه گفت: محمد شریفی که پیش از این در ساخت «اسکار» با مهران مدیری کار کرده، تهیه‌کننده این برنامه است. این برنامه یک تیم مفصل برای اتاق فکر دارد. ۱۶ هنرمند به برنامه دعوت شده‌اند و از آنها خواسته شده که با دغدغه‌ها و موضوعات و توانمندی‌های خود تیم بچینند، تمرین کنند و آماده شوند تا به استیج برنامه «کارناوال» بیایند و با ارائه پرفورمنس خود رقابت کنند.

۵۰۰ تماشاگر در استودیو هستند که به این شرکت‌کننده‌ها رای می‌دهند. این برنامه شباهتی با تلنت شوها و برنامه‌های استعدادیابی در ارائه کار دارد. اما تفاوتش این است که این بار گروه‌های شرکت‌کننده حرفه‌ای هستند و داوری به معنای کارشناس وجود ندارد بلکه ۵۰۰ تماشاگر هستند که به این گروه‌ها رای می‌دهند.

در هر قسمت ۲ گروه رقابت می‌کنند که علاوه بر اجرای خود، کنفرانس و گفتگویی هم با تماشاگران دارند یعنی مثل کنفرانس‌های فستیوال‌ها با تماشاگران گفتگویی کنند و یک بار دیگر از آنها رای می‌گیرند. این بخش هم بسیار اهمیت دارد که می‌تواند امتیاز را بالا یا پایین ببرد. /مهر

رامبد جوان پیش‌تر در گفت‌وگویی عنوان کرد که برنامه «کارناوال» یک مسابقه پرفورمنس است که برای نمایش خانگی تولید می‌شود.

## کمدی مقدس؛

## چگونه مذهبی‌ها، روایتی طنز از داستان موسی (ع) ارائه دادند؟

میچ هادسون کارگردان فیلم که ساخت اثری جدی در مورد حضرت عیسی را نیز در کارنامه دارد، مخاطبان این کمدی را نسل های زد و ایگرگ عنوان کرده و گفته است دوست دارم مخاطبان با دیدن فیلم به خوانش دوباره داستان حضرت موسی و قوم یهود ترغیب شوند. حال باید دید که ادامه دادن این روایت طنز، موجب افزایش اعتقادات، در کنار سرگرمی نیز خواهد شد یا نه؟

در مرز بین پرداخت کمدی در عین وفاداری به داستان‌های مذهبی دانسته‌اند. این سریال برای تحقق طنز در روایتی دینی، از کاربکتوریزه کردن حواشی تبلیغ دینی حضرت موسی پرداخته است. از چالش‌های هجرت در بیابان و شکاف دادن نیل، تا حماقت اطرافیان، نمودی از یافتن موقعیت‌های طنز در داستان حضرت موسی ست.

«سرزمین موعود» سریال کمدی-مذهبی جدیدی ست که داستان قوم یهود را به طنز و با -ادعای- وفاداری به کتاب مقدس روایت می‌کند.

تا به اینجا قسمت صفر این سریال (برای تست میزان مخاطب) در یوتیوب حدود ۶۰۰ هزار بار دیده شده و در اینستاگرام نیز ۱۵۰ هزار فالور کسب کرده که عدد قابل توجهی تلقی می‌شود. روان‌شناسان اجتماعی، علت اقبال به این کار را حرکتی دقیق



## پلتفرم‌های بزرگ چگونه از قدرت خود سواستفاده می‌کنند؟



موفقیت یک شرکت در جذب تعداد زیادی کاربر، در اکوسیستم‌های پلتفرمی، می‌تواند به سطح بالایی از تسلط آن در همان حوزه و حتی سایر حوزه‌ها منجر شود. این اتفاق برای شرکت‌هایی که قصد دارند با ایده‌های نو و راه‌حل‌های خلاقانه وارد بازار شوند، چالش‌های متعددی ایجاد می‌کند. زمانی که یک پلتفرم بزرگ در حوزه‌هایی مانند شبکه‌های اجتماعی، ارائه خدمات یا خرده‌فروشی آنلاین کاربران زیادی جذب می‌کند، رقبا با دشواری بیشتری برای ورود به بازار و جلب توجه کاربران مواجه می‌شوند.

رشد انفجاری تعداد کاربران کسب‌وکارهای پلتفرمی و متمرکز شدن کاربران در تعداد محدودی پلتفرم، اتفاق عجیبی نیست و تقریباً در تمامی بازارهای پلتفرمی دنیا رخ داده است. اتفاقی که رخ دادن آن مربوط به اثر شبکه‌ای (Network Effect) و افزایش مطلوبیت استفاده از پلتفرم برای کاربران با ملحق شدن دیگر کاربران است؛ به عنوان مثال توجه کنید به افزایش جذابیت استفاده از یک پیام‌رسان زمانی که تعداد بیشتری از دوستان شما از آن استفاده می‌کنند یا افزایش جذابیت استفاده از یک پلتفرم تاکسی آنلاین وقتی تعداد راننده‌های بیشتری در آن آماده رساندن شما به مقصد هستند.

اما در برخی از موارد، دستیابی به تعداد زیاد کاربران و متمرکز شدن بخش زیادی از استفاده‌کنندگان و عرضه‌کنندگان خدمت در یک پلتفرم، می‌تواند به غیر از اثرات طبیعی که بر دشوار شدن ورود به بازار و رقابت برای سایر بازیگران داشته باشد، به صورت عامدانه به‌عنوان یک ابزار برای از بین بردن رقابت، حتی در دیگر بازارها استفاده شود. در ادامه به نمونه‌هایی از چنین رفتارها در دنیا می‌پردازیم.

نمونه‌های شناخته‌شده سواستفاده از قدرت تعداد کاربران در دنیا اخیراً وزارت دادگستری آمریکا (DoJ – Department of Justice)، پرونده جدیدی را علیه شرکت ویزا (Visa) که قاعداً تاکنون نام آن را روی انواع کارت‌های بانکی و اعتباری دیده‌اید آغاز کرده است. تراکنش‌هایی که مادر ایران به واسطه کارت‌های بانکی انجام می‌دهیم، در آمریکا توسط یک واسطه بین بانک مشتری و بانک فروشنده انجام می‌شود. ویزا نقش این واسطه را داشته و به نوعی پلتفرم اتصال بانک‌ها، فروشگاه‌ها و مشتریان محسوب می‌شود و بیش از ۶۰ درصد تراکنش‌های بانکی آمریکا نیز توسط آن انجام می‌شود.

ویزا در قراردادهایی که با بانک‌ها و فروشنندگان می‌بندد، آنها را مکلف می‌کند که بیش از ۹۰ درصد از تراکنش‌های خود را به واسطه این شرکت انجام دهند و در غیر این صورت با جریمه‌های سنگین مواجه می‌شود. در صورتی که بانک‌ها و فروشنندگان نخواهند این شرط ویزا را قبول کنند نیز با نرخ کمیسیون به مراتب بیشتری مواجه خواهند شد. شاید این شرایط جالب به‌نظر

دور از ذهن نبود که امروز ما از مرورگرهای با کیفیت مختلفی نظیر گوگل کروم یا فایرفاکس بی‌بهره و مجبور به استفاده از اینترنت اکسپلورر باشیم.

در دهه ۹۰ شمسی و با رونق گرفتن اقتصاد دیجیتال، پلتفرم‌های دیجیتال متعددی در ایران راه‌اندازی شدند که امروزه خدمات آنها به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی ما تبدیل شده است. اما تجربه زیسته دنیا به ما یادآوری می‌کند که در عین شیرینی اولیه خدمات پلتفرم‌های دیجیتال، نظیر وجود امکان سفارش سریع و بر خط غذا و توانایی مقایسه و انتخاب از میان تعداد زیادی رستوران، محکم شدن جای پای پلتفرم‌ها ممکن است منجر به سوءاستفاده آنها از موقعیت مسلط خود شود.

به عنوان مثال، بازار سفارش آنلاین غذا در ایران با رقابت چندین پلتفرم شروع شد. اما در حال حاضر در اغلب شهرهای ایران تنها یک گزینه برجسته به‌عنوان پلتفرم سفارش آنلاین غذا وجود دارد. در انتهای سال ۱۳۹۸ پلتفرم چیلیوری به‌عنوان آخرین رقیب جدی اسنپ‌فود، پیش از توقف فعالیت خود از قراردادهای انحصاری به‌عنوان دلیل اصلی عدم امکان رقابت در این بازار نام برد. این روزها نیز با وارد شدن بازیگران مختلف به این بازار، بایستی به یاد داشته باشیم که یکی از لوازم شکل‌گیری رقابت پایدار به سود مشتریان، جلوگیری از سوءاستفاده پلتفرم‌های مسلط از قدرت خود برای تحمیل شرایط انحصاری به دیگر بازیگران است؛ چه قراردادهای انحصاری که چیلیوری در سال ۱۳۹۸ به آن اشاره کرد و چه قراردادهای پیچیده‌تر نظیر قراردادهای مورد استفاده شرکت ویزا در آمریکا.

شرکت اپل تصمیم به ورود به بازار تلفن همراه گرفت و از گوشی‌های آیفون خود رونمایی کرد. اما از جایی که در آمریکا تلفن‌های همراه مثل آیفون عمدتاً همراه با سیمکارت فروخته می‌شوند، اپل برای ارائه سیمکارت و خدمات مخابراتی نیاز به شراکت تجاری با اپراتورهای مخابراتی داشت. شرکت AT&T به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین ارائه‌دهندگان خدمات مخابراتی آمریکا قرارداد انحصاری با اپل تنظیم کرد که بر اساس آن آیفون منحصراً با سیمکارت‌های AT&T عرضه می‌شد و دارندگان آیفون حق استفاده از خدمات مخابراتی دیگر شرکت‌ها را نداشتند. این موضوع باعث نارضایتی مشتریان از کیفیت خدمات AT&T به ویژه پوشش شبکه و سرعت اینترنت داده شد.

### ■ لزوم برخورد با سواستفاده پلتفرم‌ها از تعداد کاربران در ایران

در مثال‌های فوق، به نمونه‌های مختلف و متنوعی از قدرت ناشی از تعداد کاربران بالا، برای تحمیل شرایط انحصاری پرداختیم و دیدیم که چگونه کسب‌وکارها پس از رشد در یک بازار مشخص به واسطه موقعیت خود به‌عنوان نخستین بازیگر بازار (First Mover) و یا ارائه یک محصول جذاب، می‌توانند از قدرت ناشی از تعداد کاربران بالا به‌عنوان اهرمی برای تحکیم جایگاه خود و از بین بردن رقابت در حوزه فعالیت خود و یا حتی یکی دیگر از بازارهای مرتبط با فعالیت خود استفاده کنند.

ارتکاب چنین رفتارهایی و تحمیل شرایط انحصاری پلتفرم‌های مسلط به دیگر بازیگران، می‌تواند منجر به کاهش رقابت و نوآوری شده و در نقطه مقابل، جلوگیری از این رفتارها می‌تواند منجر به شکوفایی رقابت و نوآوری شود؛ به‌عنوان مثال در صورت استمرار رفتارهای ضدرقابتی مایکروسافت در حوزه مرورگرهای اینترنت،

مایکروسافت به واسطه قدرت بالای خود در بازار سیستم‌عامل و وابستگی بسیاری از کاربران به ویندوز، مشتریان را به صورت غیرمستقیم مجبور به استفاده از مرورگر خود و استفاده نکردن از دیگر مرورگرها می‌کرد. این رفتار ضد رقابتی مایکروسافت مورد توجه دولت آمریکا قرار گرفت و پرونده ضد انحصاری معروفی با شکایت وزارت دادگستری و با پشتیبانی تعداد زیادی از ایالات برای مایکروسافت آغاز شد. در نتیجه این پرونده پس از بررسی‌های قضایی فراوان در سال ۲۰۰۱، مایکروسافت وادار به عقب‌نشینی از رفتارهای ضد رقابتی خود و باز کردن فضا برای رقابت دیگر مرورگرها در سیستم‌عامل خود شد که در پی آن مرورگرهای دیگری که اتفاقاً کیفیت و نوآوری بیشتری داشتند مانند موزیلا وارد بازار شدند و اکسپلورر به مرور سهم بازار خود را در یک بازار رقابتی از دست داد.

یکی دیگر از نمونه‌های شناخته‌شده تلاش برای استفاده از تعداد زیاد کاربران برای تحکیم جایگاه خود، قرارداد انحصاری میان اپل و AT&T به‌هنگام شروع عرضه آیفون است. در سال

## تفاوت حضور در سکوها و شبکه‌های اجتماعی و راهبرد حضور در شبکه‌های اجتماعی و سکوها

ابوالقاسم رجیبی

شبکه‌های اجتماعی رایج در کشور عبارتند از اینستاگرام، تلگرام، واتساپ، بله، آپارات، سروش، و از نمونه‌های کسب و کارهای پلتفرمی یا سکویی می‌توان به دیجی کالا، دیوار و شیپور اشاره کرد. گسترش شبکه‌های اجتماعی و سکوها کاربردی و مزایای متعدد آن باعث شده است که بسیاری از افراد و کسب و کارها به دنبال بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌هایی که این شبکه‌ها فراهم می‌آورند باشند. کنش‌های جاری را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. ۱. حضور در شبکه اجتماعی و پلتفرم‌ها و ۲. راهبرد حضور در شبکه اجتماعی و پلتفرم‌ها

حضور در شبکه اجتماعی و سکوها نرم‌افزاری یعنی چه؟ وزیر ارتباطاتی که توییت می‌کند، شرکتی که محصولات خودش را از طریق اینستاگرام بازاریابی می‌کند، شخص حقیقی که با این بستر چیزی به فروش می‌رساند، بنگاه معاملات ملکی که از دیوار برای ارتباط با مشتریان خودش استفاده می‌کند، یا فروشگاه‌هایی که از دیجی کالا برای رسیدن به مشتریان بیشتر استفاده می‌کنند، نمونه‌های حضور در شبکه‌های اجتماعی و سکوها نرم‌افزاری هستند.

■ راهبرد حضور در شبکه‌های اجتماعی و سکوها نرم‌افزاری یعنی چه؟ راهبرد داشتن به زبان ساده یعنی تلاش برای توجه به واقعیت‌ها

دیگر را کنار محصولات کسب و کارهای استفاده کننده از بستر دیجی کالا تقویت کنند. در اینجا شرکت‌ها ممکن است برای کسب یک سود کوتاه مدت کل کسب و کارشان را از دست بدهند. در صورتی که اگر شرکت‌ها حضور مستقیم را جدی بگیرند، با توجه به وابستگی کمتر قدرت مانور بیشتری برای واکنش به اقدامات خصمانه خواهند داشت.

با در یک نمونه دیگر، وزیر ارتباطاتی که توییت بازی می‌کند، می‌تواند یک وبگاه شخصی راه اندازی کند و محتوای خودش را با قابلیت پیشفرض عرضه و

اشتراک گذاری در در شبکه‌های اجتماعی مختلف در وبگاهش عرضه کند و خودش یا کارمندانش یا علاقه مندان وی این محتواها را از وبگاه شخصی وی در شبکه‌های اجتماعی مختلف منتشر کنند. اینطور زمانی که اکانت او در شبکه‌های اجتماعی را مثل یک تروریست یا شاید مسدود کردند این کنش برای آبرو و تصویر جهانی صنعت فناوری کشور هزینه بسیار کمتری خواهد



داشت و محتواها به یکباره ناپدید نمی‌شوند، و جرات و جسارت وزیر در بیان مواضعش بیشتر خواهد شد و تنها قوانین داخلی کشور را محدودکننده مقام خودش تلقی خواهد کرد. این‌ها مزایای استفاده از وبگاه مستقل است که می‌تواند به فعالیت‌های اینترنتی اشخاص حقیقی و حقوقی اعطاف زیادی بدهد.



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی  
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیک و صفحه آرا: سارا کولیوند  
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی  
تلفن: ۰۲۱۸۱۵۰۲۵۱۸ - ۰۹۹۳۱۲۴۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۵۰۲۵۱۸  
نشانی: بلوار کشاورز - خیابان عبدالته زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵  
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI  
@ASREGANOON  
@ASREGANOON



## پلتفرم‌های بزرگ چگونه از قدرت خود سواستفاده می‌کنند؟

زمانی که یک پلتفرم بزرگ در حوزهای مانند شبکه‌های اجتماعی، ارائه خدمات یا خرده‌فروشی آنلاین کاربران زیادی جذب می‌کند، رقبا با دشواری بیشتری برای ورود به بازار و جلب توجه کاربران مواجه می‌شوند.

## سانسور فلیکس

قدرت غرب در جنگ نرم کماکان دست برتر را دارد و ملتها برای اینکه بتوانند عاملیت پیدا کنند باید دست از تلاش برای حضور در زمین بازی غربی‌ها بردارند و با تکیه بر توان خود، ظرفیت‌هایشان را به منصفه ظهور برسانند و جنگ روایت‌ها را برنده شوند.

۱

۷

## VAR ما و VAR آن‌ها

فریدون حسن

زاویه‌هایی نامناسب که بیشتر گمراه‌کننده و گیج‌کننده بودند تا اینکه بخواهند گره کار را باز کنند. اما وقتی یک ساعت بعد شاهد بازی رئال مادرید و بارسا بودیم، آن وقت باز هم متوجه شدیم که چگونه به اسم VAR سرکار گذاشته شده‌ایم.

ال کلاسیکو بالای ۱۲ صحنه آفساید داشت که تمامی آن‌ها به صورت واضح نمایش داده شد تا هیچ شائبه‌ای وجود نداشته باشد. صحنه‌هایی که هم داور مسابقه را قانع کرد و هم هواداران، بازیکنان و کادر فنی دو تیم را تا یکی از بزرگ‌ترین بازی‌های فوتبال باشگاهی جهان که در شرایط معمول هم آبیستن انواع و اقسام حاشیه‌هاست با کمترین حاشیه ممکن و ایراد داوری به پایان برسد.

حالا سؤال این است: اگر سیستمی که با آن قضاوت داور ال کلاسیکو بازبینی می‌شد VAR نامیده می‌شود، پس سیستمی را که قضاوت‌های کاملی در خرم‌آباد و بنیادفر در تهران را بازبینی می‌کرد چه باید نامید. یا اگر سیستمی که ما داریم کمک‌داور ویدئویی است، چیزی که در ال کلاسیکو دیده شد را باید چه نامید؟

واقعیت این است در روزهایی که پیشرفت فوتبال به لحاظ فنی، تکنولوژی و استفاده از علم روز جهان جلوی چشم همگان قرار دارد، نمی‌توان با وعده‌وعید و استفاده از تجهیزات منسوخ شده و از کارافتاده ادعا کرد که صاحب تکنولوژی هستیم. واقعیت تلخی است که پخش همزمان مسابقات باشگاهی ایران و اروپا باعث می‌شود هر روز بیشتر از قبل از فوتبال باشگاهی‌مان ناامید شویم، چون برخلاف میل آقایان فدراسیون‌نشین، هوادار فوتبال ایران خیلی خوب تفاوت‌ها را می‌بیند و خیلی خوب فرق فوتبال واقعا حرفه‌ای را از فوتبالی که فقط اسمش حرفه‌ای است، تشخیص می‌دهد.

بازی خیبر خرم‌آباد و استقلال تهران بار دیگر وجود یا عدم وجود سیستم کمک‌داور ویدئویی در مسابقات فوتبال، به‌خصوص مسابقاتی که در شهرستان‌ها و استان‌ها برگزار می‌شود با چالش روبه‌رو کرد.

در طول این بازی بارها شاهد بودیم که داور مسابقه به نشانه اینکه کمک‌داوران ویدئویی در حال بازبینی صحنه هستند، بازی را متوقف کرد. صحنه‌هایی که بلااستثنا بعد از لحظاتی داور فرمان ادامه بازی را صادر کرد، اما بیننده تلویزیونی نه متوجه شد که چه چیزی مورد بازبینی قرار گرفته و نه اصلاً صحنه‌ای را مشاهده کرد تا ببیند ماجرا چیست. اوج این لحظات هم در صحنه‌ای بود که به نظر رسید داور مسابقه بعد از منتظر ماندن برای اعلام نظر کمک‌داوران ویدئویی زودتر از اعلام نظر آن‌ها به دروازه‌بان استقلال اشاره کرد بازی را ادامه دهد.

دیگر لازم به تکرار نیست که در بازبینی صحنه‌های حساس مسابقات، در فوتبال دیگر کشورها دیده می‌شود که تصویر مورد نظر روی صفحه تلویزیون به نمایش گذاشته و بیننده از کم و کیف کار مطلع می‌شود، اما اینجا با وجود ادعاهای پر و پیمان فدراسیون در پوشش رقابت‌های لیگ توسط سیستم کمک‌داور ویدئویی همچنان همه چیز در حاله‌ای از ابهام قرار دارد.

این از بدشانسی کت و شلوارپوش‌های فوتبال است در شبی که بازی خیبر - استقلال و پرسپولیس - شمس‌آذر برگزار و پخش می‌شود، ال کلاسیکو هم پخش می‌شود. در بازی لرستان هیچ کدام از صحنه‌های مورد بازبینی، پخش نشد و در بازی پرسپولیس هم صحنه‌هایی به اسم بازبینی پخش شد که اگر نمی‌شد خیلی بهتر بود. صحنه‌هایی بی‌کیفیت و در

## دغدغه آسیب‌های اجتماعی پای ورزشکاران را به وزارت کشور باز کرد

جمعی از قهرمانان، ورزشکاران و پیشکسوتان در دیدار با وزیر کشور خواستار تحقق مسئولیت اجتماعی در کشور شدند.

این نشست نه فقط یک دیدار صمیمانه، بلکه جلسه‌ای کاربردی و گفت و شنودی گرم درباره ایفای هر چه بهتر مسئولیت اجتماعی ورزشکاران به عنوان یک گروه مرجع مهم در کشور نیز بود.

مومنی وزیر کشور: جلسات باید خروجی داشته باشد؛ بنابراین هیئتی ۹ نفره از ورزشکاران در این جلسه انتخاب شوند تا موضوعات جلسات را پیگیری کنند.

ورزش پدیده منحصر به فردی است که فارغ از قومیت، مذهب، گرایش سیاسی و دیگر تفاوت‌ها، موجب وحدت و همبستگی افراد می‌شود.

وقتی ورزشکاری به موفقیت می‌رسد، آن هم در سطح ملی، همه مردم با هر گرایش و فکری که دارند شادمان می‌شوند و از شکست آن ورزشکار ناراحت؛ بنابراین باید از این ظرفیت در راستای حداکثرسازی همبستگی ملی بهره برد.

وزیر کشور تجربه‌های گذشته در تعامل با هنرمندان و ورزشکاران دغدغه‌مند را موفق دانست و بر تداوم این روند تاکید کرد.

## مسابقات والیبال ساحلی جام جزایر سه‌گانه ایران در خلیج فارس



نخستین دوره مسابقات جام جزایر سه‌گانه ایران در خلیج فارس با شرکت چهار تیم بوموسی، تنب بزرگ، تنب کوچک و خلیج فارس روز سه‌شنبه هشتم آبان ماه با حضور احمد دنیامالی وزیر ورزش و جوانان و سید میلاد تقوی رئیس فدراسیون والیبال و برخی از دیگر روسای فدراسیون‌های ورزشی و مقامات ورزشی کشور در جزیره بوموسی برگزار خواهد شد.

## لباس استقلال به تن برخی بازیکنان گشاد است

دنیاحیدری



به شکلی طعنه‌آمیز به تمجید از بازیکنان حریف پرداخت: «آن‌ها روحیه مبارزه‌طلبی و برتری‌جویی داشتند، به همین دلیل بابت کسب پیروزی بازیکنان خیبر تبریک می‌گویم.» اما پرواضح بود که قصد بازی دارد. بازی با آن‌هایی که در نخستین حضورش روی نیمکت استقلال او را بد بازی دادند، آن هم برابر خیبر خرم‌آباد، تیمی که دومین برد این فصل خود را مقابل آبی‌پوشان پایتخت کسب کرد تا نه فقط از جمع قهرنشینان فاصله بگیرد که به واسطه برد ۳ بر یک در هفته نهم، بالای سر استقلال در رده یازدهم بایستد. آن هم در شرایطی که خیبر به لحاظ تغییرات، شرایطی مشابه استقلال داشت. این تیم کار خود را با رضا مهاجری آغاز کرد و در ادامه مارکو اورلیو را جایگزین سرمربی وطنی خود کرد و در فاصله تنها چهار روز مانده به بازی حساس با استقلال نیز سکان هدایت خود را به سعید دقیقی که به همکاری خود با شمس‌آذر پایان داده بود، سپرد. مربی جوانی که برخلاف همتای آفریقایی خود روی نیمکت استقلال در پایان مسابقه هفته نهم با دیده افتخار به شاگردانش می‌نگریست. درحالی که پیتسو موسیمانه در ابتدا مات و مبهوت بود، سپس ناامید شد و در آخر نیز چنان عصبانی که به شکلی جدی برای شاگردانش در مقابل اصحاب رسانه خط و نشان کشید!

در طول کنفرانس خبری کرد می‌زدی، خون موسیمانه در نمی‌آمد. البته حق هم داشت. قرار بود او سرمربی یکی از مدعیان لیگ برتر ایران باشد که بنا به دلایلی نتوانسته بود در هفته‌های نخست آنطور که باید و شاید نتیجه بگیرد. با وجود این او با تیمی مواجه شد که دقیقه ۱۰ دروازه‌اش مقابل یکی از تازه‌واردان لیگ که اوضاع چندان جالب‌توجهی هم نداشت، باز شد و این اولین و آخرین باری نبود که استقلال دروازه‌اش مقابل حریف خرم‌آبادی باز شد و چه بسا اگر واکنش‌ها و سیوهای خوب حسینی درون چهارچوب دروازه آبی‌پوشان پایتخت نبود، این تیم با باختی به مراتب سنگین‌تر از ۳ بر یک زمین مسابقه را ترک می‌کرد.

در واقع جز حسینی، هیچ یک از شاگردان موسیمانه برابر خیبر نمره قبولی نگرفتند،

مات و مبهوت مانده بود؛ باخت ۳ بر یک، آن هم برابر خیبر! باورش نمی‌شد این تیمی باشد که سکان هدایتش را به دست گرفته، استقلالی که از آن به عنوان یک مدعی برایش نام برده بودند. آنچه به چشم می‌دید، تفاوت بسیاری با آنچه که برایش تعریف کرده بودند، داشت. شاید به همین دلیل هم بود که حرف‌هایش را در کنفرانس خبری بعد از بازی با عبارت مایوس‌کننده و چه می‌توانم بگویم آغاز کرد و تعجبش را اینچنین نشان داد: «هرگز تا به حال تیمی اینقدر ناتوان و مستأصل در زمین ندیده بودم!»

شاید موسیمانه تصور می‌کرد قرار است کارش را با یک برد دلچسب برابر خیبر در خرم‌آباد آغاز کند، اما عملکرد شاگردانش چنان او را مایوس کرد که تصمیم گرفت در همان نقطه آغاز آب پاکی را روی دست نک‌تک آن‌ها بریزد: «شاید بازیکنان استقلال هنوز در باد اسم بزرگ باشگاه خوابیدند، اما عملکرد آن‌ها با بزرگی لوگو و نامش کوچک‌ترین همخوانی ندارد! باید دید خواسته بازیکنان چیست. آیا می‌خواهند هر روز مربی عوض کنند؟ آیا استقلال این است؟ آیا بازیکنان استقلال اینگونه هستند؟ شاید این لباس برای برخی بازیکنان گشاد است! آن‌ها باید خودشان را به سرمربی نشان دهند و ثابت کنند که آیا برای لوگو و پیراهن بازی می‌کنند یا خیر. باید دید آیا ستاره‌های استقلال تنها به فکر رقم قرارداد و آسایش خود هستند یا قصد دارند تغییری در شرایط به وجود آورند. اما هر چه که هست، این فرهنگ مناسب استقلال نیست و این وضعیت باید تغییر کند.»

تنها ۹۰ دقیقه زمان کافی بود که مرد آفریقایی نیمکت استقلال بداند دقیقاً کجای کار است و سکان هدایت چه تیمی را به دست گرفته است، اما او که در طول بازی مات و مبهوت عملکرد ضعیف شاگردان جدیدش را زیر نظر داشت، بلافاصله بعد از به صدا درآمدن سوت پایان بازی خود را جمع و جور کرد و در همان گام نخست نشان داد بیدی نیست که با این بادها بلرزد و قصد جنگیدن دارد: «این نتیجه نشان می‌دهد به اندازه کافی مبارزه نکردیم.» البته او با ژستی خاص چند بار تاکید کرد ناامید است و

حتی رضائیان که تک‌گل تیمش را به ثمر رساند، چراکه او به‌طور مستقیم روی یکی از گل‌های خورده استقلال مقصر بود و درست مثل دیگر نفرات خط دفاعی در این بازی عملکردی بسیار ضعیف داشت. استقلال نه در بحث فنی برابر خیبر برنامه و هدف داشت و نه در حمله، به‌طوری‌که صدای اکثر کارشناسان و پیشکسوتان این تیم درآمد، از آن جهت که آن‌ها مدعی بودند این تیم حتی بدون سرمربی هم نباید اینگونه بازی کند و نتیجه بگیرد، چه برسد با حضور مربی، اما به شرط آنکه قصدی در بین نباشد. درست همان شکی که در نخستین بازی ذهن موسیمانه را درگیر کرد و صراحتاً نیز آن را به زبان آورد. هرچند که موسیمانه هم باید توانایی‌های خود را ثابت کند، اما بی‌تردید این بازی از استقلال بدون سرمربی هم انتظار نمی‌رفت!

